

## دفاع از انتساب کتاب تصحیح الاعتقادات به شیخ مفید

عمیدرضا اکبری<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۸/۴/۳۰، پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۹، صفحه ۲۹ تا ۶۶ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

از دیرباز شرح و نقدنگاری بر آثار عالمان در میان فرق، خاصه در مسائل کلامی، امری رایج بوده است. باین حال، برخی از این کتب در طول تاریخ اسلام از میان رفته، یا چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. کتاب *تصحیح الاعتقادات* شیخ مفید هم که حاشیه‌ای بر *الاعتقادات* ابن بابویه است، در سده‌های میانی کم‌تر مورد توجه بوده، و این امر به همراه برخی آراء مندرج در این کتاب موجب شده است بعضی از معاصران در اصالت کتاب تردید کنند و حتی آن را غیراصیل و برساخته دوران متأخر بدانند. در این مطالعه با نقد مستندات منکران نسبت اثر، در جستجوی قرائنی برآمده‌ایم که نسبت کتاب را به شیخ مفید تأیید می‌کنند. از آن جمله، گزارش‌های مکرر ابن شهرآشوب از نسخه‌ای از شیخ مفید است؛ نسخه‌ای که مطالبش به‌سان حاشیه‌ای بر *الاعتقادات* ابن بابویه ذکر می‌شود. شواهدی مؤید آن است که *جوابات ابی جعفر القمی و الرد علی ابن بابویه* که نجاشی و ابن شهرآشوب از جمله آثار شیخ مفید ذکر کرده‌اند، احتمالاً همین کتاب است. این کتاب از نظر منابع، مبانی و ادبیات هم‌خوانی بالایی با آثار شیخ مفید دارد.

کلیدواژه‌ها: شیخ مفید، *تصحیح الاعتقادات*، الرد علی ابن بابویه، روایات ابن شهرآشوب.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری علوم حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران.

## درآمد

از جمله عالمان شیعه که ردیه‌نویسی‌های متعددی بر آثار بزرگان دیگر فرق شیعی دارد محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (د ۴۱۳ق) است (برای نمونه از آثار انتقادی وی، نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۷۳، ۴۰۰-۴۰۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۲۵؛ نیز نک: آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ۱۰/۱۷۸). یکی از این نقدنگاری‌ها *تصحیح الاعتقادات* است که شیخ مفید آن را در نقد کتاب *الاعتقادات* ابن بابویه (د ۳۸۱ق) تألیف نمود.

برخی متأخران با پذیرش انتساب اثر به شیخ مفید، انتقادات او از ابن بابویه را دستمایه مذمت علم کلام کرده‌اند (فیض، ۱۴۰۷ق، ۱۸؛ نیز نک: ابن طاووس، ۱۳۷۵ش، ۶۴). عالمانی هم با پذیرش این انتساب به داوری میان ابن بابویه و شیخ مفید نشستند، و در مواردی به دفاع از ابن بابویه پرداخته‌اند (برای نمونه، نک: صافی، ۱۴۱۳ق، ۱۴-۱۹، ۶۶، ۸۲؛ برای ترجیح رأی مفید، نک: همان، ۱۰۶-۱۰۷). برخی پژوهشگران غربی آثار کلامی شیخ مفید نیز، تردید در اصالت *تصحیح الاعتقادات* را روا ندانسته‌اند (برای نمونه، نک: مکدموت، ۱۳۷۲ش، ۳۰، ۴۰).

سنجش اصالت این اثر — خاصه از جهاتی مانند ارزش‌گذاری برخی از روایات نادر آن یا قضاوت‌های مؤلف در مورد اخبار و آثار مندرج در این کتاب — مهم است. افزون بر این، شناخت رویکردهای کلامی و اصولی مؤلف، مثلاً در قبال خبر واحد، در تبیین آراء فقهی و حدیثی او و البته در شناخت تاریخ علم کلام آثاری دارد؛ چه، نوع ادبیات و مواضع مؤلف نسبت به دیگر عالمان عصرش به تبیین تعاملات آن دوران کمک می‌کند. مباحث عقلی اثر را هم نباید اموری مجرد از روند تاریخی انگاشت؛ چنان‌که استنتاجات هر جریان عقل‌گرایی نیز متأثر از مکاتب پیش از خود است.

## طرح مسئله

بعد از تردیدهای سرریخته جمعی از معاصران در اصالت *تصحیح الاعتقاد* (برای یادکرد این تردیدها، نک: سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۳۳)، به‌تازگی محمد مهدی سلمان‌پور در مقاله «وداع با *تصحیح الاعتقاد*» کوشش کرده است انتساب *تصحیح الاعتقادات* به شیخ مفید را رد کند.

سلمان‌پور در نقدهایش بر اصالت کتاب *تصحیح الاعتقادات* بر ناشناخته بودن نسخه کتاب پیش از دوره صفویه، تطبیق نداشتن عناوین مذکور برای آن در فهرس متقدم، تأخر نسخه‌ها و ناهمخوانی مطالب آن با آراء و روش شیخ مفید تأکید می‌کند (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، سراسر مقاله). مطالعه پیش‌رو متکفل عبارسنجی مستندات مقاله پیش‌گفته، و بررسی گسترده‌تر قرائن درستی یا نادرستی نسبت کتاب *تصحیح الاعتقادات* به شیخ مفید است. می‌خواهیم بدانیم: اولاً، چه اندازه مستندات سلمان‌پور در مقاله یادشده پذیرفتنی‌اند؛ ثانیاً، چه شواهد دیگری می‌توان در تأیید یا نفی انتساب اثر به شیخ مفید پیدا کرد؛ و ثالثاً، آیا — برپایه مجموع شواهد — انتساب اثر به شیخ مفید پذیرفتنی‌تر است یا نفی این انتساب.

به این منظور، نخست انتقادات سلمان‌پور بر انتساب اثر به شیخ مفید را مرور خواهیم کرد. آن‌گاه به بررسی دو نقد کلی بر روش عمومی *تصحیح الاعتقادات* و وضعیت نسخه‌های آن می‌پردازیم. در ادامه نیز، قرائن داخلی و خارجی انتساب اثر به شیخ مفید را بررسی می‌کنیم.

### ۱. اهم عوامل تردید در اصالت کتاب

سلمان‌پور دلائل مختلفی بر بی‌اعتباری انتساب *تصحیح الاعتقاد* به شیخ مفید بازنموده است. برخی از قرائن وی در کوشش برای تقویت جانب این رأی، شواهدی بیرونی و خارج از محتوای اثر اند و برخی نیز قرائنی برگرفته از محتوای خود کتاب اند.

#### الف) مروری بر نظریه سلمان‌پور

شواهدی مثل ذکر نشدن نام این کتاب یا وجود نداشتن اشاره‌ای به آن در آثار خود شیخ مفید، نیامدن نام کتاب و نام‌های مشابه آن در *رجال نجاشی* و *فهرست شیخ طوسی*، بی‌خبری عالمان متأخرتر از نام کتاب و نقل نکردن‌شان از آن، نبود اجازه‌ای منتهی به آن یا حتی نبود اشاره‌ای به کتاب در سده‌های بعد در کتب *رجال* و غیر آن، و نبود نسخه خطی اثر پیش از سده ۱۱ق یا نسخه‌ای که با مقابله‌ای معتبر به سده‌های پیشین بازگردد و از روی نسخه‌های کهن‌تر کتابت شده باشد.

افزون بر این، سلمان‌پور به شواهدی برگرفته از کتاب نیز اشاره می‌کند. به باور وی محتوای کتاب حاوی موارد مهمی در مخالفت یا تضاد با آراء قطعی شیخ مفید است. سلمان‌پور معتقد است

که در برخی از این موارد — مانند تعبیر مربوط به ابن بابویه — این محتوا برخلاف حقیقت و واقعیت نیز هست و این امر قبول صدور آن از شیخ مفید را دشوار و بلکه شبیه به محال می‌سازد. همچنین، ساختار کتاب برخلاف ساختار و روال همیشگی آثار شیخ مفید است و کار بسته نشدن روش همیشگی مؤلف در این اثر با توجه به حساسیت کتاب و اهمیت آن خدشه‌ای مهم در اعتبار آن ایجاد می‌کند (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۵۴).

سلمان‌پور در نهایت به جعلی بودن کتاب حکم کرده، و در سخن از انگیزه چنین جعلی گفته

است:

اخباریان که در قرون هشتم و نهم نسبت به گذشته قدرت بیش‌تری یافته بودند، در اواسط قرن دهم و با ظهور شخصیتی چون محقق کرکی و اقدامات عملی او در ایران و به پشتوانه دولت صفوی، اندک‌اندک ستاره اقبال‌شان افول کرد. طلوع *تصحیح الاعتقاد* در میانه اختلافات عالمان اخباری و اصولی در تشیع است و هنوز اکثریت جامعه علمی به طور مطلق در دست یکی از دو گروه نبوده است. می‌توان چنین فرض کرد که شخصی اصولی کتابی نوشته، و برای تحقیر اخباریان و تضعیف آنان مستقیماً بزرگترین نماینده مکتب‌شان را هدف قرار داده است. بی‌تردید فردی گمنام یا نامدار را حتی اگر بهره‌ای از علم نیز داشت، یارای چنین هجومی علیه شیخ صدوق به‌عنوان رکنی از ارکان تشیع نبود. از همین‌رو، انتخاب شیخ مفید به‌عنوان بزرگ‌ترین نماینده مکتب اصولی، گزینشی هوشمندانه بوده است؛ امری که می‌توانست به بهترین شکل بازگوی تفاوت دو مکتب باشد و در گیرودار تضعیف اخباریان و تقویت اصولیان به فرضیه یادشده اثر عملی مضاعفی بخشد (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۵۴).

تمایل برخی امامیان دوره صفوی به مکتب کلامی شیخ مفید ممکن است؛ ولی سلمان‌پور در مورد این‌که چه کسی در این دوره می‌تواند منتقد ابن بابویه بوده باشد، شاهدی باز نمی‌نماید.

پیامدهای کلامی این کتاب از نگاه سلمان‌پور، از آغاز وی را در ردّ اصالت کتاب مصمم ساخته است؛ مشابه همان اتفاقی که در دوران اخیر برای رجال ابن غضائری افتاد و بدون پیشینه و قرینه روشن تاریخی، برخی — به گمان این‌که پذیرش کتاب موجب آسیب‌های کلامی بسیار است — آن را جعلی شمردند (نک: اکبری، ۱۳۹۸ش، سرتاسر اثر).

سلمان‌پور تصریح می‌کند این مطالعه را «به قصد پیراستن شخصیت دو چهره بزرگ مذهب تشیع و دفاع از مکتب در برابر تهمت‌هایی که انتساب *تصحیح الاعتقاد* به شیخ مفید می‌تواند به‌همراه بیاورد» انجام داده است (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۳۳). تصریح وی به این معنا سبب می‌شود

بازاندیشی در مطالعه او برای سنجش میزان التزامش به قیود مطالعه بی‌طرفانه تاریخی ضروری به نظر آید.

### ب) نقدنگاری نزد قدما و انگیزه نگارش تصحیح الاعتقادات

از دیرباز شرح و نقدنگاری بر آثار یک عالم از سوی عالم دیگر در میان فرق مختلف و از جمله، در میان امامیه و خاصه در مسائل کلامی امری رایج بوده است (تنها برای چند نمونه از ردیه‌نویسی‌های امامیان بر هم، نک: نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۲، ۶۳، ۱۲۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۳۱، ۴۹۴؛ شریف مرتضی، ۱۴۰۵ ق، ۲ / ۲۹). منازعات محدثان نیز پیش‌تر در آثار نمود یافته است (برای نمونه، نک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱ / ۴۱۰؛ کشی، ۱۴۰۹ ق، ۲۷۹، ۳۲۳، ۵۶۶؛ ابن‌غضائری، ۱۳۸۰ ش، ۳۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۱۸۵).

استبعاد انتساب اثری چون تصحیح الاعتقادات به شیخ مفید با تکیه بر نقدهای شدید آن وجهی ندارد. این دست نقدها در میان متکلمان رایج بوده، و صرف وقوع آن تا پیش از عصر حاضر تردید عالمان را در اصالت نسبت تصحیح الاعتقادات به مؤلفش برنینگخته است. افزون بر این، باید در نظر داشت که نقدهای شیخ مفید بر ابن بابویه در قیاس با برخی آثار دیگر از شدت کم‌تری برخوردار است.

برای نمونه، نقدهای شریف مرتضی بر قمیان یا بر اصحاب حدیث شدیدتر است (به‌ترتیب نک: شریف مرتضی، ۱۴۰۵ ق، ۳ / ۳۱۰؛ نیز نک: همان، ۱ / ۲۱۱، ۲۴، ۴۱۰، ۲ / ۱۸، ۳۰). تضعیف گسترده اصحاب حدیث توسط شریف مرتضی با انتقاد و واکنش عالمان روبرو شده است (نک: شیخ طوسی، ۱۴۱۷ ق، ۱ / ۱۳۱-۱۴۱) تا جایی که آثار مستقلی در رد آن نوشته‌اند (نک: فتونی، ۱۴۱۸، سراسر اثر؛ نیز برای تحلیل اسباب این اختلاف رویکرد، نک: موسوی تنیانی، ۱۳۹۴ ش، ۷۱-۷۳). شیخ مفید در مورد ابن جنید عالم امامی نیز جملات شدیدالحنی به کار گرفته است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق - ش، ۷۳؛ همو، ۱۴۱۳ ق - ص، ۵۸).

در رساله «عدم سهو النبی» منسوب به شیخ مفید نیز می‌توان نقدهای شدیدتری بر تفکر ابن بابویه را بازدید (برای نمونه، نک: «عدم سهو النبی»، ۲۰، ۳۰؛ برای منتسب کردن این اثر به شریف مرتضی یا ابویعلی جعفری، نک: آقابزرگ، ۱۴۰۳ ق، ۵ / ۱۷۶-۱۷۷، ۱۱ / ۲۰۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۳ ق، ۱۰۰؛ مکدموت، ۱۳۷۲ ش، ۶۱). با این حال، کسی تا کنون با استناد به این نقدها در انتساب این

اثر به شیخ مفید یا شریف مرتضی یا ابویعلی جعفری تردید نموده است.

### پ) کاستی نسخه‌های کتاب تا دوران صفوی

به نظر می‌آید استنادات عالمان امامی به کتاب *تصحیح الاعتقادات* در سده‌های نزدیک به شیخ مفید چندان زیاد نبوده است. موارد چنین استنادی به حدی اندک است که چه بسا از چشم برخی مخفی مانده، و از شواهد اصالت نداشتن کتاب، یکی را هم این دانسته‌اند که «تا پایان هزاره اول هجری، نه نامی و نه نقلی از این کتاب در هیچ کجا وجود ندارد» (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۳۷). به نظر ایشان جایگاه والای ابن بابویه و شیخ مفید شأنیت آن را دارد که چنین اثری که نزاع این دو عالم بزرگ را نشان می‌دهد به تواتر نقل شود (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۲).

در برابر، می‌گوییم ضرورتی ندارد در آثار برجامانده امامی ارجاع و نقل مکرر به چنین اثری را بیابیم؛ چه، موارد استناد به برخی از دیگر آثار مهم امامیه مانند *رجال* نجاشی نیز در آثار موجود تا حدود دو سده پس از تألیف اندک است (نک: اکبری، ۱۳۹۷ش، بخش ۲-۲-۲). صرفِ کم بودن روایات از یک منبع متقدم به خودی خود امر غریبی نیست.

وانگهی، کتاب *تصحیح الاعتقادات* حاشیه‌ای بر کتابی دیگر است و به نحو منسجم به یک موضوع نمی‌پردازد. نیز، بر خلاف روش متداول آثار، مقدمه و خطبه هم ندارد و حتی بعد از شهرت یافتنش در دوره صفویه، نام آن ثابت نبوده است و عالمان با تعابیر مختلف از آن یاد کرده‌اند (نک: سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۳۲). این‌ها مؤید آن است که این اثر لزوماً به شکل اثری رسمی در مجالس امامیه عرضه و قرائت نشده است.

افزون بر این، برخلاف نظر سلمان‌پور تواتر چنین اثری را نباید انتظار داشت؛ چه، از اساس هیچ کدام از آثار کلامی شیخ مفید تواتر نداشته‌اند تا بخواهیم در مورد اثری که نقدهای صریح و گاه تند بر محدثی محبوب مانند ابن بابویه روا می‌دارد انتظار چنین تواتری داشته باشیم. اگر چنین می‌بود هرگز نمی‌بایست خیل عظیم آثار مهم‌تر امامیه، و از آن جمله اکثر آثار شیخ مفید در طول سده‌ها نابود شوند.

این باور که کتاب «در دوران صفویه ناگهان پدیدار و به شیخ مفید نسبت داده شده» (نک: سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۳۳) ادعایی است که شاهد روشنی بر آن ارائه نشده است. گویی ناقد کتاب متأخر بودن نسخ کتاب *تصحیح الاعتقادات* و فراوان شدن نسخه‌ها از دوره صفویه را شاهد

این مدعا گرفته است (سلمان پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۲-۱۴۳). کاستی نسخه‌های کتاب امری پذیرفتنی است؛ زیرا نسخه‌های موجود حداکثر به اوائل سده ۱۱ق می‌رسد (نک: درایتی، ۱۳۹۰ق، ۸/۲۹۵). باین حال، نباید از یاد برد که این کاستی گریبان‌گیر اکثر کتب روایی و آثار قدماست؛ چنان‌که قدیم‌ترین نسخه‌های برجامانده از غالب آثار اصیل شیخ مفید متعلق به سده ۱۰-۱۱ق است (نک: طباطبایی، ۱۴۱۳ق، ۳۰، ۳۵، ۵۳-۵۸، ۶۲، ۶۵-۶۶، جاهای مختلف). این‌که شمار اندکی از آثار شیخ مفید نسخه‌هایی کهن‌تر و مربوط به سده ۶-۸ق داشته باشند (سلمان پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۱)، وضعیت کلی آثار را نشان نمی‌دهد (قس: طباطبایی، ۱۴۱۳ق، ۳۷، ۳۸). گسترش توجهات به **تصحیح الاعتقاد** پس از عصر صفوی امر غریبی نیست و از این حیث این اثر فرق خاصی با بسیاری از دیگر آثار کهن شیعی ندارد.

افزون بر این، به نظر می‌آید هیچ یک از فهرس متقدم شیعی فهرست جامعی از آثار شیخ مفید به دست نداده‌اند (نک: میرزایی، ۱۳۹۰ق، ۴۴). البته، مؤلفان این فهرس مدعی جامعیت آثارشان نبوده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴؛ نیز نک: اکبری، ۱۳۹۷ش، فصل ۲-۲-۲-۵). نام برخی از آثار شیخ مفید هم چون *اطراف الدلائل* هم در فهرس یافت نمی‌شود (کراچکی، ۱۴۲۱ق، ۳۰؛ آقابرگ، ۱۴۰۳ق، ۲/۲۱۶، ۱۵/۲۱۸). نیز، چنان‌که خواهد آمد، این دیدگاه که **تصحیح الاعتقادات** در فهرس قدیم در میان آثار شیخ مفید ذکر نشده است (سلمان پور، ۱۳۹۷ش، ۱۳۵، ۱۳۷) جای درنگ جدی دارد. چه، کتب قدیم و از جمله آثار شیخ مفید گاه به نام‌های متعددی شناخته می‌شده‌اند (نک: همان، ۱۳۶).

## ۲. جایگاه کتاب تصحیح الاعتقادات در منابع مکتب بغداد

دوره شکوفایی مکتب کلامی امامیه بغداد سده ۳ و ۴ق بود. در عصر شیخ مفید، غیر از خود او، سید مرتضی و شیخ طوسی مهم‌ترین شخصیت‌های آن، و صاحبان آثار کلامی متعدد بودند. دو اثر کتاب‌شناسی مهم برجامانده از سده‌های متقدم امامیه، یعنی *فهرست شیخ طوسی و رجال* نجاشی نیز متعلق به همین مکتب است.

### الف) جوابات ابی جعفر القمی در رجال نجاشی

نجاشی اثری با عنوان *جوابات ابی جعفر القمی* برای شیخ مفید ذکر کرده است (نجاشی،

۱۳۶۵ش، ۴۰۰). در برخی آثار، ابن بابویه دقیقاً با همین عنوان «ابوجعفر قمی» یاد می‌شود (برای نمونه، نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۱/ ۲۶۹؛ ۲/ ۲۳۶؛ ۳/ ۳۵۷؛ حسانی، ۱۴۱۱ق، ۱/ ۳۵۱، ۵۵۷؛ ۲/ ۱۲۵، ۱۶۵؛ بیاضی، ۱۳۸۴ق، ۱/ ۸۳، ۱۱۵). در منابع بسیاری هم البته میان کنیه ابوجعفر و نسبت قمی، نام کامل ترش — محمد بن علی بن بابویه — افزوده شده است. از این قبیل می‌توان برخی آثار خود ابن بابویه (برای نمونه، نک: ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۱/ ۳، ۱۳، ۳۲۰؛ همو، ۱۳۹۸ق، ۱۸؛ همو، ۱۳۷۶ش، ۱، ۵، ۹، جاهای مختلف) و آثاری از متکلمان مکتب بغداد را مثال آورد (برای نمونه، نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ث، ۳۳۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۵۸، ۴۲۱؛ همو، ۱۴۲۰ق، ۱۲۲، ۱۷۴؛ همو، ۱۴۱۵ق، ۴۳۹؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۸۹).

در خود متن کتاب *تصحیح الاعتقادات* هم همه جا اقوال ابن بابویه با عنوان گفته‌های ابوجعفر ذکر شده، و در مقام پاسخ هم شیخ مفید در بسیاری مواقع از ابن بابویه با همین تعبیر ابوجعفر یاد کرده است. در بغداد ابن بابویه را در زمان شیخ مفید هم چون محدثی اهل قم می‌شناخته‌اند (انصاری، ۱۳۹۷ش، ۱۵۶۸). بر این اساس، این دیدگاه که ابن بابویه «هرگز با عنوان ابوجعفر قمی شهرت نداشته است» (سلمان پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۰) درست نیست.

از میان نامداران به «ابوجعفر قمی» — خاصه در طبقه نزدیک به شیخ مفید — کسی شهرت ابن بابویه را ندارد که بتوان احتمالاً عنوان را ناظر به او دانست. شاید تنها شیخ نام‌دار طبقات عصر شیخ مفید با این عنوان، استاد سرشناس او ابن قولویه باشد. اما جوابیه یا ردیه‌نگاری شیخ مفید بر او با عنایت به مدح والا و دفاع شیخ مفید نسبت به او بعید است (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۴۷؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ۵، ۶). نیز، در مورد طبقات دورتر از شیخ مفید انتظار می‌رود که او عنوانی روشن‌تر از ابوجعفر قمی ذکر کند.

نباید گمان کرد که عنوان «جوابات» همواره در پاسخ به سؤالات دیگران است، نه شرح و نقد (نک: سلمان پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۰)؛ چرا که ظاهراً برخی افراد که در آثار شیخ مفید نام‌شان به این جوابات اضافه شده است در طبقاتی پیش از او می‌زیسته‌اند و بعید است که از او چیزی پرسیده باشند. برای نمونه، می‌توان اثر شیخ مفید با عنوان «جوابات ابن نباته» را یاد کرد (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۰۰) که بنا بر آنچه در *الدبریه* آمده، مخاطبش خطیب ابویحیی عبدالرحیم بن محمد بن اسماعیل بن نباته فارقی (د ۳۷۴) است (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ۵/ ۱۹۶) و با عنایت به طبقه او و



جايگاه والایش نزد عامه (نک: ابن اثیر، ۱۴۱۴ق، ۳/ ۲۹۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۲۶، ۴۶۹) این که از شیخ مفید سؤال پرسیده باشد، بعید است.

به همین ترتیب، اثر دیگر شیخ مفید با عنوان «جوابات ابن واقد السنی» هم پاسخ به کسی در طبقات پیش از مؤلف دانسته شده (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ۵/ ۱۷۲)، که احتمالاً از عامه مسلمانان است. در اثر دیگر شیخ مفید «جوابات محمد بن الحسین الیثی» (نجاشی، ۴۰۱) اگر منظور محمد بن حسین بن محمد بن عبدالمجید کنانی لیثی باشد، باز مخاطب نخستین اثر فردی در طبقات قبل از شیخ مفید بوده است (نک: بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۳/ ۳۰).

نجاشی دو اثر «جوابات الامیر ابی عبدالله» و «الرسالة الی الامیر ابی عبدالله و ابی طاهر بن ناصرالدولة فی مجلس جری فی الامامة» را نیز برای شیخ مفید نام می برد (ص ۴۰۰، ۴۰۲). ابو عبدالله حسین حمدانی (زنده در ۳۸۶ق) و برادرش ابوطاهر ابراهیم حمدانی (د ۳۸۰ق) در سال ۳۷۹ق بر موصل حاکم شدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۹/ ۶۶؛ نیز برای منازعات پیشین ایشان در موصل، نک: ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۸/ ۶۳۱؛ امین، ۱۴۰۳ق، ۲/ ۲۵۲). پدر این دو ناصرالدولة حسن بن عبدالله (د ۳۵۷ق) است (ابن خلکان، ۱۱۷/ ۲). بر اساس مجموع این شواهد باید محتمل تر آن دانست که امیر ابو عبدالله هم از طبقه پیش از شیخ مفید باشد.

در نوع دیگری از جوابات شیخ مفید هم از آنجا که مخاطب نخستین اهل دیگر مذاهب اند، بعید به نظر می رسد که آن مخاطبان نخستین سؤالی از شیخ مفید پرسیده باشند. نمونه ای از این دست، رساله «جوابات الفیلسوف فی الاتحاد» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۰۰) است. با توجه به آن که فلاسفه در آثار شیخ مفید با طعن و قدح ذکر شده اند (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ج، ۱۰۱، ۱۰۴؛ همو، ۱۴۱۳ق - ط، ۶۶؛ همو، ۱۴۱۳ق - ز، ۸۷؛ همو، ۱۴۱۴ق، ۸۷، ۹۱)، انتظار می رود وی در این اثر نیز پاسخی به آراء و آییناً اشکالات ایشان داده باشد.

البته، این موارد جای بررسی بیشتر دارد؛ چرا که وضع مذهبی بعضی از شخصیت هایی که شیخ مفید رساله ای در جواب ایشان نوشته است ابهام دارد. از این قبیل می توان «جوابات ابی الفرج بن اسحاق عما یفسد الصلاة» را یاد کرد. ابوالفرج همان ابن ندیم (درگذشته حدود ۳۸۵ق) فهرست نویس مشهور است که با شیخ مفید دیدار داشته (نک: ابن ندیم، ۲۵۲)، و مذهب او محل اختلاف است (انصاری، ۱۳۶۷ش، ۴۵). از همین قبیل است «جوابات ابی الحسن سبط المعافی بن

زکریا فی اعجاز القرآن» که مؤلفش گرچه متعلق به یک طبقه پس از شیخ مفید، اما از خاندانی عامی مذهب است (نک: بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱۳/۲۳۰؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۳ق، ۶/۲۷۰۲).

مخاطبان اولیه برخی آثار دیگر از این دست هنوز ناشناس مانده‌اند. از این قبیل است مخاطب «جواب ابی محمد الحسن بن الحسن النوبندجانی المقیم بمشهد عثمان». درباره وی حداکثر می‌توانیم احتمال دهیم اقامتش در مشهد عثمان در جامع اموی بغداد شاهد عامی بودنش باشد. مثال دیگر، «جوابات علی بن نصر العبدجانی» است. اگر این عبدجانی همان علی بن نصر فائقی باشد، در جوابیه‌ای از شیخ مفید در مورد مذهب او تردید جدی شده است (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ض، ۶). مثال دیگر از این قبیل موارد مبهم «جوابات ابی الحسن النیسابوری» است که چند تن در میان عالمان عامه در آن عصر بدین نام یافت می‌شوند (نک: مکدموت، ۱۳۷۲ش، ۴۲؛ نیز نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۰۰-۴۰۲).

نکته دیگر استعمال بسیار گسترده تعبیر «جواب» در آثار شیخ مفید در مقام پاسخ‌گویی به اشکالات کلامی و نقض آن‌ها است (برای نمونه، نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - د، ۷۷، ۸۳، ۲۱۱-۲۱۷؛ همو، ۱۴۱۳ق - ت، ۳۵، ۴۶؛ همو، ۱۴۱۳ق - ژ، ۴۶، ۱۵۴-۱۵۷). این تعبیر برای پاسخ‌گویی به استفسارهای حقیقی اصحاب نیز بسیار به کار رفته است و در آثاری هم چون *المسائل السرویه*، *المسائل الطوسیه*، و *المسائل العکبریة* نمونه‌هایی از این دست را بسیار می‌توان دید.

این احتمال هم که شیخ مفید مجموعه جواب‌های ابوجعفر قمی به برخی سؤالات را گردآوری کرده باشد شاهدی ندارد. جوابات شیخ مفید، چنان که دیدیم، یا پاسخی به نظریات و اشکالاتی است که صاحبان مکاتب فکری مختلف مطرح کرده‌اند یا پاسخی است به استفسار حقیقی اشخاص و گروه‌هایی از معاصران وی. مثلاً، شیخ مفید کتاب جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیه را در پاسخ به سؤالات اهل موصل نوشته است (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ذ، ۱۳). از همین قبیل است «جوابات اهل الطبرستان» که باید همان *المسائل السرویه* یا «المسائل المازندرانیة» باشد، یا کتاب *جواب اهل الرقة فی الاهله و العدد*، یا *جوابات ابی‌اللیث الاوانی* که به نام *المسائل العکبریة* نشر یافته است (نک: مکدموت، ۱۳۷۲ش، ۴۲)، یا *جوابات اهل الدینور* یا *المسائل الدینوریة* (قس: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۰۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۴۵).

### پ) اشتراکات تصحیح الاعتقادات و آثار شیخ مفید

در تصحیح الاعتقادات نویسنده به کتاب‌های خویش هم‌چون *الارکان فی دعائم الدین*، *الکامل فی علوم الدین*، *التمهید*، *مصابیح النور*، و رساله‌هایی که در پاسخ سؤالات رسیده ساخته است ارجاع می‌دهد (برای نمونه، نک: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۷۲، ۱۴۷). این آثار همه به شهادت نجاشی جزو کتاب‌های شیخ مفید است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۹۹-۴۰۰، ۴۰۱). به اقتضای حاشیه بودن تصحیح الاعتقادات، روایت از این اثر در دیگر کتب شیخ مفید نمود نیافته است؛ ولی ادبیات و عقاید شیخ مفید را از خلال عبارات تصحیح الاعتقادات می‌توان دریافت.

برای نمونه، او می‌نویسد: «قال ابو عبدالله قول الامامية في البداء طريقة السمع دون العقل و قد جاءت الاخبار به عن ائمة الهدى (ع) و الاصل في البداء هو الظهور» (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۶۵). بعضی از این عبارتها تنها در کلمات شیخ مفید یافت می‌شود؛ مانند «طريقة السمع دون العقل» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ش، ۶۳؛ نیز، برای توضیح این معنا، نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ج، ۴۴؛ نیز برای استعمال عقل و سمع در همین معنا، نک: همو، ۱۴۱۳ق - د، ۸۱، ۹۳؛ همو، ۱۴۱۳ق - ز، ۶۳؛ همو، ۱۴۱۳ق - ژ، ۸۳، ۱۵۴؛ همو، ۱۴۱۳ق - ص، ۴۴؛ همو، ۱۴۱۳ق - ج، ۸۷؛ همو، ۱۴۱۴ق، ۱۴۳-۱۴۴).

برخی تعابیر نیز هستند که در میان هم عصران شیخ مفید چندان رواج ندارند؛ اما در آثار او بسیار دیده می‌شوند؛ مانند «عن ائمة الهدى (ع)» (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - پ، ۵۴؛ همو، ۱۴۱۳ق - ژ، ۱۵۴؛ همو، ۱۴۱۳ق - ش، ۶۲؛ همو، ۱۴۱۳ق - ص، ۷۹؛ ۱۴۱۳ق - ن، ۳۸۵، ۷۵۵؛ همو، ۱۴۱۳ق - ذ، ۲۲، ۲۶؛ همو، ۱۴۱۳ق - ظ، ۲۴، ۳۸، ۴۴؛ ۱۴۱۳ق - ع، ۳۰، ۵۰؛ همو، ۱۴۱۳ق - غ، ۱۱). از همین قبیل است عبارت «قد جاءت الاخبار» که در آثار شیخ مفید بسیار پربسامدتر از آثار اقران او ست (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ۲ / ۳۶۸، ۱۶۴؛ همو، ۱۴۱۳ق - ت، ۴۷، ۱۳۱، ۱۵۴، ۲۰۲؛ همو، ۱۴۱۳ق - د، ۱۱۱، ۱۱۶؛ همو، ۱۴۱۳ق - ج، ۲۲؛ نیز نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ژ، ۱۸۵؛ همو، ۱۴۱۳ق - ش، ۶۰؛ همو، ۱۴۱۳ق - ج، ۷۰، ۷۹، ۱۲۴، ۱۳۹؛ همو، ۱۴۱۳ق - ع، ۲۹).

نمونه دیگر از این دست تعبیر «هو الظهور» است که شیخ مفید آن را در دیگر آثار خود نیز عیناً برای بداء به کار برده است (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ط، ۹۹؛ قس: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۱ /

(۷۰).

در ادامه همین گفتار یادشده از *تصحیح الاعتقادات*، روایت «ما بدا لله فی شیء کما بدا له فی اسماعیل» یاد می‌شود. این خبر در آثار دیگران با اندکی اختلاف تعبیر روایت شده (زید نرسی، ۱۴۲۳ق، ۱۹۶، ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ۳۳۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۱/ ۶۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق، ۲۰۲؛ بیاضی، ۱۳۸۴ق، ۲/ ۲۷۳)، ولی در آثار شیخ مفید عیناً با همین عبارت آمده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ژ، ۳۰۹؛ همو، ۱۴۱۳ق - ط، ۱۰۰).

در ادامه عبارات *تصحیح الاعتقادات* تأکید می‌شود که بداء به معنای «تَعَقُّبَ رَأَى» نیست (سلمان پور، ۱۳۹۷ش، ۶۷). شیخ مفید در آثارش بر نفی این معنا تأکید نموده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ط، ۱۰۰؛ نیز نک: همو، ۱۴۱۳ق - د، ۱۹۸) و خارج از آثار وی در منابع کلام و حدیث شیعی اشاره به این معنا دیده نمی‌شود.

افزون بر همه آنچه ذکر شد، شیخ مفید در بحث از عالم ذر به مانند دیگر آثارش دغدغه نسبت اخبار آن با اخبار تناسخ را دارد و نقدهای مشابهی را بر هر دو سنخ از این روایات وارد می‌داند. نیز، در هر دو مورد با اذعان به وجود اخباری معتبر در این زمینه، به سوءبرداشت‌ها از برخی اخبار شیعی اشاره می‌کند (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۸۱؛ قس: همو، ۱۴۱۳ق - ش، ۴۶؛ همو، ۱۴۱۳ق - ط، ۲۸).

در توصیفات *تصحیح الاعتقادات* و دیگر آثار شیخ مفید در مورد مرگ نیز دغدغه‌های مشترکی دیده می‌شود. نمونه‌اش باب کوچکی در *اوائل المقالات* است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ج، ۷۶) «القول فی نزول الملکین علی اصحاب القبور» که مطالبش در *تصحیح الاعتقادات* نیز نمود دارد. از آن جمله، اشاره به جایگاه ناکر و نکیر و بشیر و مبشر در سؤال از شخص است (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۹۹؛ همو، ۱۴۱۳ق - ج، ۷۶). این که این فرشتگان تنها بر خواص کافران و مؤمنان نازل می‌شوند و نه غیر ایشان، در هر دو کتاب با تعبیر «ولیس ینزل الملکان الا علی حی...» آمده است (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۱۰۰؛ همو، ۱۴۱۳ق - ج، ۷۷)

در ادامه مطالب *تصحیح الاعتقادات* (ص ۱۰۰) عبارتی آمده است که می‌توانش عیناً در کتاب *المسائل السرویة* بازدید (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ش، ۶۴).

در ادامه همان مطالب نیز، در *تصحیح الاعتقادات* (ص ۱۰۰) عبارتی آمده که عیناً در کتاب

*المسائل السروية* (ص ۶۴) نیز موجود است (نیز نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۲۳۵). برپایه این عبارت، مؤلف می‌گوید فرشتگان در حالی شخص را بازخواست می‌کنند که دوباره در همین دنیا زنده شده است. این عیناً همان سخنی است که در کتاب *اوائل المقالات* می‌توان خواند. شیخ مفید در *اوائل المقالات* برای توضیح علت زنده شدن اموات نیز به «آنچه که در جای دیگر وصف کرده» اشاره داده، و تأکید نموده است که این مباحث از اخبار فهمیده می‌شود و از متکلمان شیعه کسی جز خود را نیافته است که در این باره نظری داده باشد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ج، ۷۷). در پی جویی ارجاع شیخ مفید به وصفی که در جای دیگر کرده است، نمی‌توان موردی از ذکر چنین تعلیلی پیدا کرد؛ جز در *تصحیح الاعتقادات* که بلافاصله پس از اشکال گرفتن به ابن بابویه، به ذکر اخبار متعدد می‌پردازد و علت لزوم زنده شدن مرده پس از مرگ را توضیح می‌دهد (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۹۹-۱۰۰). البته، لازم به ذکر است که نظر شیخ مفید در این اثر با آنچه در دو اثر دیگرش یاد کرده است از جهاتی فاصله دارد (قس: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ش، ۶۶؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ط، ۷۹).

افزون بر موارد یادشده، روایاتی را نیز می‌توان یافت که در *تصحیح الاعتقادات* ذکر شده‌اند و جز در آثار خود شیخ مفید قابل‌پی‌جویی نیستند. برای نمونه، روایت «لَا يَجُوزُ الصَّرَاطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ بَرَاءَةٌ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) مِنَ النَّارِ» گرچه با اسنادهای مختلف از عالمان عامی‌مذهب نقل شده است (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ۱۷/ ۱۶۲، ۲۱/ ۵۱۸؛ کعبی، ۱۴۱۳ق، ۳۰)، در منابع متقدم امامی دیده نمی‌شود؛ مگر در *تصحیح الاعتقادات* (ص ۱۰۸) و اثر دیگری از خود شیخ مفید (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - خ، ۳۰).

روایت «ان امامکم عقبة کنودا و منازل مهولة لا بد من الممر بها و الوقوف علیها فاما برحمة من الله نجوتم و اما بهلکة لیس بعدها انجبار» نیز که در *تصحیح الاعتقادات* (ص ۱۱۳) از علی (ع) نقل شده است، با این عبارات صرفاً در آثار شیخ مفید دیده می‌شود (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ۱/ ۲۳۴؛ همو، ۱۴۱۳ق - ث، ۱۹۹؛ نیز نک: ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ۴۹۸) و در منابع دیگر عبارت قدری متفاوت است (قس: ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۷۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴/ ۳۸۹؛ شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق، ۳۲۱؛ همو، ۱۴۰۶ق، ۹۸، ۱۱۶؛ شریف مرتضی، ۱۹۹۸ق، ۲/ ۲۸۹، ۴۵۳).

نکته پایانی این که پژوهش‌ها در آراء فقهی شیخ مفید نیز ناهمخوانی میان مبانی فقهی مذکور

در بخش آخر *تصحیح الاعتقادات* و دیگر آثار شیخ مفید نشان نمی‌دهد (نک: عبدالله‌آبادی، ۱۳۷۷ش، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹، جاهای مختلف).

پ) نقل به مضمون اخبار در کتاب و نمود آن در آثار شیخ مفید و شیخ طوسی در کتاب *الاقتصاد* شیخ طوسی روایتی دیده می‌شود که در هیچ کتابی جز *تصحیح الاعتقادات* — که عیناً آن را دربر دارد — یافت نمی‌شود. قرائنی نشان می‌دهد که شیخ طوسی آن را از *تصحیح الاعتقادات* نه منبعی دیگر گرفته است:

روی ان الامام الصادق نهی رجلا عن الکلام و امر آخر به، فقال له بعض اصحابه: جعلت فداک نهیت فلانا عن الکلام و امرت هذا به؟ فقال: هذا ابصر بالحجج و ارفق منه (شیخ طوسی، ۱۴۰۶ق، ۷؛ قس: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۷۱).

به نظر می‌آید این دست اخبار کتاب *تصحیح الاعتقادات* عیناً از منبعی متقدم گرفته نشده است؛ بلکه نقل به معنایی توسط شیخ مفید از اخبار منابع است. در این مورد احتمالاً خبری از کشی را نقل به معنا کرده است (قس: کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۱۹ شماره ۵۷۸، ۳۴۹ شماره ۶۵۰). تعبیری هم‌چون روی، الامام الصادق، «نهیت فلانا» و «امرت هذا به» در روایت فوق مؤید این نقل به معنا ست. اکنون برای نمونه همه اخبار همین باب از کتاب *تصحیح الاعتقادات* یعنی «باب النهی عن الجدل» را هم‌چون شواهدی دیگر بر نقل به معنا به اختصار بررسی می‌کنیم.

عبارتی از مؤلف در این باب هست که تعبیرش آشکارا نقل به مضمون را نشان می‌دهد: «قال (ع) لطائفة من اصحابه بینوا للناس الهدی الذی انتم علیه و بینوا لهم ضلالهم و باهلوهم فی علی بن ابی طالب (ع) فامر بالکلام و دعا الیه و حث علیه» (ص ۷۱). شیخ مفید تصریح می‌کند که متن اصلی خبر را به همراه سند با تصریح به مصداق تعبیر کنایی فوق و عباراتی کامل‌تر در سه کتاب دیگر خود *الکامل، الارکان و المحاسن* آورده است (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ر، ۷۵؛ نیز نک: بیاضی، ۱۳۸۴ق، ۳/ ۵۴). تشابه شدید تعبیر خبر محمد بن حکیم در *تصحیح الاعتقادات* (نک: ص ۷۱) با روایت بالا نیز ما را به این رهنمون می‌سازد که خبر محمد بن حکیم نقل به مضمون خبری دیگر است: «کلم الناس و بین لهم الحق الذی أنت علیه و بین لهم الضلالة التي هم علیها» (قس: کشی، ۱۴۰۹ق، ۴۴۹). مؤلف *تصحیح الاعتقادات* در ادامه همین اخبار برای دیدن روایات فراوان و اخبار متضافر در بحث جدل به دو کتاب خویش با نام‌های *الارکان فی دعائم الدین* و

*الکامل فی علوم الدین* ارجاع می‌دهد (ص ۷۲)؛ آثاری که می‌دانیم از تألیفات شیخ مفید اند. در روایت حدیث اول باب تصریح شده است که مؤلف از کتاب *کافی* کلینی روایت می‌کند (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۷۰)؛ ولی با مراجعه به *کافی* معلوم می‌شود که خبر مختصر و قدری نقل به مضمون شده است (قس: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱ / ۱۷۱). خبر دیگر باب از هشام بن حکم (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۷۱) نیز نقل به مضمون خبری از *کافی* است (قس: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱ / ۸۷، ۱۱۴)؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ۲۲۱). خبر «حاجوا الناس بکلامی...» (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۷۱) نیز با اندکی اختصار برگرفته از باب متناظر در *الاعتقادات* ابن بابویه است (قس: ابن بابویه ۱۴۱۴ق، ۴۳) و در منبع دیگری یافت نمی‌شود.

در ادامه اخبار باب فوق، از امام صادق (ع) روایت می‌شود: «من اخذ دینه من افواه الرجال ازالته الرجال ومن اخذ دینه من الكتاب و السنة زالت الجبال ولم یزل» (ص ۷۲). این خبر نیز با این تعبیر در منابع قبل از شیخ مفید یافت نمی‌شود. به نظر می‌آید از اخباری است که به خاطر مضمون ویژه‌اش به صورت شفاهی رایج بوده، و در مقدمه چند منبع مهم روایی به نحو مرسل با تعابیر مختلف روایت شده است (قس: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۲۲). شاید اصل لفظ آن برگرفته از گزارش‌های مُسندی باشد که در برخی منابع زیدیه و امامیه یافت می‌شود (نک: هارونی، ۲۰۰۲م، ۲۱۶؛ عمادالدین طبری، ۱۳۸۳ق، ۱۲۹).

خبر بعدی در تفسیر آیه «اتخذوا احبارهم...» (توبه/ ۳۱) در منابع متقدم با چند طریق متصل و با عباراتی بسیار نزدیک ذکر شده است (تنها برای چند نمونه، نک: قمی، ۱۴۰۴ق، ۱ / ۲۸۹؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ۱ / ۲۴۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲ / ۸۶، ۸۷، ۳۵۷). با این حال، در گزارش *تصحیح الاعتقادات* به تناسب بحث کلماتی به آن افزوده شده است. از جمله، سه مرتبه ذکر در تقلید و ذم آن سخن آمده است که در هیچ یک از متن‌های پیشین یافت نمی‌شود. این را نیز نتیجه نقل به مضمون‌های کتاب باید دانست؛ چه، تقلید در آثار گوناگون شیخ مفید بسیار مذمت شده است (برای نمونه، نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - س، ۳۲، ۳۴، ۳۷). در *کافی* کلینی که از منابع مهم شیخ مفید در این باب و دیگر مواضع به‌شمار می‌رود، این خبر در «باب التقلید» و در کنار خبری با تعابیر مشابه جای گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱ / ۵۳؛ نیز نک: همان، ۳۹۸ / ۲). چه بسا ذهنیت مؤلف *تصحیح الاعتقادات* متأثر از همین باب *کافی* بوده است.

آخرین خبر باب یعنی روایت «من اجاب ناطقاً...» (ص ۷۳) با دیگر منابع اختلاف نقل دارد (قس: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶/۴۳۴؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۴۵۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۱/۳۰۴؛ همو، ۱۴۱۴ق، ۱۰۹) و لابد نقل به معنا شده است. همچنین، تعابیر «جاءت الآثار» و «فی بعض الاخبار» و امثال آن در *تصحیح الاعتقادات* که پس از آن نیز روایات بسیار مجملی می‌آید (برای نمونه، نک: ص ۹۹)، آشکارا نمونه‌های نقل به مضمون است. شیخ مفید در برخی از دیگر رساله‌های کلامی خود نیز همین روش نقل به معنا را در پیش گرفته است (برای نمونه، نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ش، ۳۹، ۴۴؛ قس: راوندی، ۱۴۰۹ق، ۴۴).

این نقل به معنای گسترده روایات مؤید این فرضیه است که این کتاب در واقع اثر مستقلی از شیخ مفید نیست و به صورت حاشیه‌هایی بوده که شیخ بر نسخه‌ای از کتاب اعتقادات ابن بابویه نوشته بوده، و بعدها شکل مدون یافته است و به همین دلیل هم کتاب خطبه و مقدمه‌ای ندارد (نک: انصاری، ۱۳۹۷ش، ۱۵۶۸)؛ چرا که تألیف اثری مجزا در کلام عقلی - نقلی با گزارش دقیق‌تر اخبار متناسب‌تر است. شاید سبب این امر نیز که متقدمان از *تصحیح الاعتقادات* به نحو گسترده روایت نکرده‌اند همین باشد که کتاب اثر مستقلی محسوب نمی‌شده است.

### ۳. ابن شهرآشوب و نسخه تصحیح الاعتقادات

ابن شهرآشوب گزارش‌های متعددی از آراء شیخ مفید دارد که موضوع آن دقیقاً در راستای مطالب یادشده در *اعتقادات* ابن بابویه، به‌سان حاشیه‌ای بر آن، و ظاهراً برگرفته از نسخه *تصحیح الاعتقادات* است. ابن شهرآشوب در ترجمه مؤلفان در *معالم العلماء* معمولاً نام آن دسته از کتب آنان را که در دسترس دارد و در فهرست ذکر نشده است می‌آورد. در *معالم العلماء* در میان آثار شیخ مفید متناسب‌ترین عنوان با نسخه مورد بحث *الرد علی ابن بابویه* است (ابن شهرآشوب، ۱۳۸۰ش، ۱۱۳). باین‌حال، سلمان‌پور در این‌که مقصود از ابن بابویه در اینجا محمد بن علی بن بابویه و این عنوان هم نامی دیگر برای *تصحیح الاعتقادات* باشد تردید کرده است (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۳۸).

#### الف) اشاره‌ها به *الرد علی ابن بابویه* در *معالم العلماء*

در آثار ابن شهرآشوب از محمد بن علی بن بابویه مکرراً با نام ابن بابویه یاد می‌شود (برای



نمونه، نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۱۵، ۱۶، ۱۸). ابن شهر آشوب این عنوان را هرگز برای دیگر عالمان خاندان بابویه به کار نبرده است. برخی از عالمان متأخر عنوان *الرد علی ابن بابویه* را بر کتاب *جوابات اهل الموصل* تطبیق داده‌اند (نک: سلمان پور، ۱۳۹۷ش، ۱۳۸-۱۳۹)؛ اما این تطبیق درست به نظر نمی‌رسد، نزد قدما پیشینه‌ای ندارد، و در *جوابات اهل الموصل* هرگز نامی از ابن بابویه به میان نیامده است تا بخواهیم حکم به این‌همانی دو اثر کنیم.

با این حال، شواهدی هست که بر اساس می‌شود حکم به این‌همانی کتاب *الرد علی ابن بابویه* و *جوابات اهل الموصل* کرد. لازم است این شواهد مرور شوند. نخست این که در سرائر ابن ادریس حلی از محتوای کتاب *الرد علی ابن بابویه* گزارش‌هایی می‌دهد. محتوای این گزارش‌ها در نسخه *جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة* شیخ مفید آمده است (قس: ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۲/ ۱۸۹؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ذ، ۱۹، ۴۶). نجاشی نیز همین عنوان *جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة* را برای اشاره به اثر شیخ مفید در این زمینه به کار می‌برد (نجاشی، ۴۰۱؛ نیز نک: آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ۱۱/ ۲۰۹؛ امین، ۱۴۰۳ق، ۴/ ۵۲).

شاهد دیگر آن است که اثری با نام *الرد علی الصدوق فی عدد شهر رمضان* را از آثار شیخ مفید شمرده، و گفته‌اند که نسخه‌اش در کتاب‌خانه سماوی در نجف موجود بوده است (نک: آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ۱۰/ ۲۰۴). این نسخه یافت نشد و بی‌تردید این نام نمی‌تواند عین عنوان کتابی از شیخ مفید باشد؛ چه ابن بابویه در آن دوران بدین لقب مشهور نبوده است (نک: پاکتچی، ۱۳۶۷ش، ۶۵). در خارج از نجف نیز، با رجوع به فهرست نسخه‌های خطی ایران چنین عنوانی نمی‌توان یافت (نک: درایتی، ۱۳۹۰ش، ۱۶/ ۳۸۴). با عنایت به عبارات *روضات الجنات* باید حکم کرد مقصود متأخران از چنین عنوانی همان کتاب *الرد علی اصحاب العدد* است (خوانساری، ۱۳۹۰ق، ۶/ ۱۵۸؛ نیز نک: درایتی، ۱۳۹۰ش، ۱۶/ ۳۷۴). بر این اساس، گویا عنوان *الرد علی الصدوق فی عدد شهر رمضان* حاصل اجتهاد نادرست برخی از متأخران است.

گذشته از این‌ها، خود ابن بابویه نیز در اعتقاد مشخص بودن عدد روزهای هر ماه قمری (مبنای عدد) تنها چهره سرشناس نبوده است تا رساله عددیه لزوماً در رد او باشد؛ بلکه گزارش آثار اهل عدد در *اقبال الأعمال* مشعر به این است که احتمالاً ابن قولویه مهم‌تر باشد؛ زیرا او محور شرح و نقدها بوده است (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ۶). ظاهراً قائلان عدد بسیار بوده‌اند، و خود ابن بابویه

نیز در همه آثارش یک موضع در این قبال اختیار نکرده است (قس: ابن بابویه، ۱۴۱۵ق، ۱۸۲؛ همو، ۱۴۱۳ق، ۲ / ۱۷۱؛ همو، ۱۳۶۲ش، ۲ / ۵۳۱). از سوی دیگر گویا برخلاف برخی دیگر از محدثان او اثر مجزایی در بحث عدد نداشته (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۸۹-۳۹۲)، و گاه نوعی از تقیه را در بحث روا می‌دانسته است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲ / ۱۷۱).

اکنون برپایه مجموع آنچه گفته شد می‌گوییم در میان کتب شیخ مفید که ابن شهر آشوب خود نام برده، عنوان *الرد علی ابن بابویه مناسب‌ترین عنوان* برای تطبیق با *تصحیح الاعتقادات* است. البته *تصحیح الاعتقادات* مجموعه‌ای از رد، قبول، شرح و تأملات و تردیدهای شیخ مفید نسبت به آراء ابن بابویه است و در واقع ردیات وی تنها بخشی از محتوای کتاب را تشکیل می‌دهند. باین‌حال، نامیدن رساله به *الرد علی ابن بابویه* از روی تسمیه کل به جزء شاخص امر غریبی نیست؛ چه، پررنگ‌ترین بخش کتاب که مورد توجه متأخران هم قرار گرفته، همان انتقادات شیخ مفید به ابن بابویه است.

نکته آخر این که از میان ۴۸ عنوان کتابی که در *معالم العلماء* برای شیخ مفید ذکر شده است غالب آن‌ها — جز چند موارد انگشت شمار — در *رجال نجاشی* یافت می‌شود؛ اما عنوان *الرد علی ابن بابویه* با وجود اهمیتش در *رجال نجاشی* جای نگرفته است. این را نیز می‌توان مؤیدی بر این دانست که نجاشی *تصحیح الاعتقادات* اثر استاد خود شیخ مفید را با نام *جوابات ابی جعفر* می‌شناخته است.

### ب) روایات ابن شهر آشوب از *تصحیح الاعتقاد*

از دیگر شواهد انتساب *تصحیح الاعتقادات* به شیخ مفید می‌توان گزارش‌های زیر از *اعلام الطرائق و متشابه القرآن و مختلفه*، دو اثر ابن شهر آشوب، نمونه آورد که تنها در *تصحیح الاعتقادات* مشاهده می‌شود:

قال الشيخ المفيد هو شيء يضاد الحياة و يبطل معه النمو و يستحيل معه الاحساس و هو يحل محل الحياة فينفيها (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ق، ۱ / ۱۸۲؛ همو، ۱۳۶۹ق، ۲ / ۹۶؛ قس: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۹۴).

التقية: قال الشيخ المفيد هي كتمان الحق و ستر الاعتقاد فيه و مكافة [مكائمة] المخالفين و ترك مظاهرتهم بما يعقب ضررا في الدين او الدنيا (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ق، ۱ / ۲۶۱؛ قس: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۱۳۷).

قال الشيخ المفيد و ليس ينزل الملكان الا على حى و لا يسالان الا من يفهم المسألة و يعرف معناها و يدیم حياته لثواب او عقاب (ابن شهرآشوب، ۱۳۶۹ق، ۲ / ۹۹؛ قس: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۱۰۰).

قوله تعالى في لَوْحٍ مَّخْفُوظٍ قال ابو جعفر بن بابويه اللوح و القلم ملكان و الملائكة لا تسمى اقلاما و لا الواحا و قال الشيخ المفيد اللوح كتاب الله تعالى كتب فيه ما هو كائن الى يوم القيامة يوضحه و لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ (ابن شهرآشوب، ۱۳۶۹ق، ۱ / ۴۱).

این عبارات همگی به روشنی در *اعتقادات ابن بابویه و تصحیح الاعتقادات شیخ مفید* یافت می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ۴۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۷۴) هرچند که برخی مواضع آن با برخی از کلمات شیخ مفید در *المسائل العکبریه متفاوت* است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ط، ۱۰۱). جالب آن‌که در *اعتقادات ابن بابویه* و هم در *تصحیح الاعتقادات اصل* عبارات ابن بابویه تنها با تعبیر «قال ابو جعفر...» روایت شده، ولی ابن شهرآشوب در ادامه افزوده است: «قال ابو جعفر بن بابویه». گویی ابن شهرآشوب برای رفع کاستی دلالت کتبه ابو جعفر، از نسبت مشهور ابن بابویه نیز بهره برده است. بر این اساس وجه تغییر عنوان «جوابات ابی جعفر القمی» به «الرد علی بن بابویه» بهتر فهمیده می‌شود.

هم‌چنین ابن شهرآشوب در *متشابه القرآن و مختلفه* دو روایتی را که پیش از این در باب تقلید و اخذ دین یاد کردیم، برخلاف منابع متقدم‌تر و مطابق با عبارات *تصحیح الاعتقادات* (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۷۲) ذکر کرده، هر دو را نیز در کنار هم آورده است (ابن شهرآشوب، ۱۳۶۹ق، ۱ / ۴۶). ظاهراً این را نیز باید از نقل‌های ابن شهرآشوب از *تصحیح الاعتقادات* بدانیم. گفتنی است ابن شهرآشوب تألیف کتاب *اعلام الطرائق* را بنا به تصریح خودش در انجامه آن در رجب سال ۵۷۰ق، یعنی در همان سالی که *متشابه القرآن و مختلفه* را نیز به انجام رسانده پایان داده است. پس باید این اثر را در زمره آثار نوشته‌شده در اواخر عمر او (د ۵۸۸ق) بدانیم (نک: عطایی، ۱۳۹۶ش، ۱۲۰). بر این اساس، می‌توان گفت ابن شهرآشوب در سال‌های آخر عمرش *تصحیح الاعتقادات* را در اختیار داشته است. نکته دیگر این‌که با توجه به روایت همین دو خبر در کنار هم در *روضة الواعظین* فتال نیشابوری (د ۵۰۸ق)، می‌توان احتمال داد که او هم این روایت‌ها را از *تصحیح الاعتقادات* برگرفته باشد (فتال، ۱۳۷۵ق، ۱ / ۲۱)؛ البته، تنها یکی از دو خبر عین الفاظ *تصحیح الاعتقادات* را دارد.

### پ) دیگر نقل‌های ابن شهر آشوب از شیخ مفید

دیگر نقل‌های ابن شهر آشوب از شیخ مفید در کتبش چند دسته است. یک دسته اخباری است که به تصریح ابن شهر آشوب از کتاب *الارشاد* گرفته شده (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۲/ ۲۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۱۲۰/ ۳، ۳۰۴، ۳۹۳، ۵۳/ ۴، ۱۳۶، ۳۷۴). یا با تطبیق عبارات معلوم می‌شود که روایت ابن شهر آشوب از شیخ مفید برگرفته از این کتاب بوده است (برای نمونه، قس: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ۲/ ۱۲۶، ۲۸۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۴/ ۷۷، ۳۹۰).

دسته دوم اخباری است که ابن شهر آشوب منبعش را یاد می‌کند یا بر پایه قرائنی می‌توان منبع آن را در میان آثار شیخ مفید یافت؛ مانند چند گزارش داستانی درباره شیخ مفید یا مناظرات او یا به روایت از وی که به تصریح ابن شهر آشوب از *العیون و المحاسن* شیخ مفید برگرفته شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۱/ ۲۴۶، ۲/ ۲۴۰، ۲۴۱) و گاه با نظر در بخش‌های موجود آثار شیخ مفید می‌توان همین را دریافت (قس: همان، ۱/ ۲۶۰، ۲۶۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ز، ۳۴۰، ۳۴۱؛ نیز قس: ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ۱۰۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ز، ۱۳۶). از همین قبیل است حکایت مناظره‌ای از شیخ مفید که احتمالاً از همین کتاب برگرفته شده (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ۱/ ۱۲۱).

دو مورد سؤال از شیخ مفید نیز بنا بر سیاقش برگرفته از همین اثر یا یکی از جوابات شیخ است؛ نه دیگر آثار کاملاً مستقل تألیف شیخ (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ۷/ ۲؛ همو، ۱۳۷۹ق، ۱/ ۲۷۵). دو خبر دیگر ابن شهر آشوب از شیخ مفید نیز در آثار شیخ یا شاگردش موجود است (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ۲/ ۴۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - خ، ۲۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۴/ ۲۲۷؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۳ق - ث، ۴۱۳). برخی اخبار نیز هست که ابن شهر آشوب آن‌ها را به شیخ مفید منسوب نمی‌کند؛ اما با تعبیر مشترک و سیاق بسیار نزدیک در آثار شیخ مفید یافت می‌شود (قس: ابن شهر آشوب، ۱۴۳۶ق، ۱/ ۳۰۷؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ز، ۲۰۴).

دسته سوم اخباری را دربر می‌گیرد که منبعش مشخص نیست (برای نمونه، نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ق، ۸/ ۲) یا حداکثر می‌توان از احتمال ارتباط آن‌ها با کتب موجود شیخ مفید سخن گفت (برای نمونه، قس: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۴/ ۳۲۷؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ۲/ ۲۴۰). به این‌ها باید مبحثی از شیخ مفید درباره عصمت و افضلیت ائمه (ع) را نیز بیفزاییم که گرچه منبعش

معلوم نیست، استدلالی شبیه مطالب تصحیح الاعتقادات را دربر دارد (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ۴۴/۲؛ قس: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۱۲۸).

براساس این جست‌وجو، از میان ده‌ها خبر ابن شهر آشوب از شیخ مفید، اکثر آن از چند کتاب مشهور او به غیر تصحیح الاعتقادات - یعنی الارشاد، العیون و المحاسن و تفضیل امیرالمؤمنین (ع) - اند. از موارد انگشت‌شمار دیگر (۹ مورد)، دو مورد آن پاسخ مسائل - یکی داستانی در مورد شیخ مفید و ظاهراً برگرفته از تألیفات شاگردانش - و پنج مورد آن هم که در بخش قبل یاد شد، همان مضامینی است که در کتاب اعتقادات ابن بابویه یافت می‌شود. از این‌که برخی از آن‌ها را ابن شهر آشوب دقیقاً پس از عبارت اعتقادات ابن بابویه نقل می‌کند چنین به ذهن می‌آید که این مطالب کلامی حاشیه‌ای بر اعتقادات ابن بابویه است. به‌غایت بعید است که بگوئیم از میان این موارد، پنج روایت اخیر برگرفته از آثار غیرمرتبط با اعتقادات ابن بابویه بوده‌اند و ابن شهر آشوب همگی را تصادفی پس از درج عبارات برگرفته از اعتقادات ابن بابویه ذکر کرده است.

#### ۴. سازگاری تصحیح الاعتقادات با رویکرد شیخ مفید

افزون بر موارد یادشده، سلمان‌پور مدعی است برخی از آراء و رویکردهای بازتابیده در تصحیح الاعتقادات با نگرش‌های شیخ مفید قابل‌جمع نیستند. اکنون بنا داریم این دسته از شواهد وی را بازبینی کنیم.

##### الف) به شهادت رسیدن پیامبر (ص)

شیخ مفید در المقنعه (۱۴۱۳ق - ف، ۴۵۶) «به طور قطع به شهادت رسول الله (ص) ایمان داشته، و این تناقض آشکار با نظر مندرج در تصحیح الاعتقادات است» (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۶). گذشته از امکان تغییر نظر شیخ مفید در گذر زمان باید گفت که در کتاب تصحیح الاعتقادات به صراحت شهادت پیامبر (ص) نفی نشده؛ بلکه مؤلف ضمن قبول قطعی بودن شهادت برخی از امامان (ع) می‌گوید اگر بخواهیم درباره همه امامان (ع) حکم کنیم که با سم یا تیغ به شهادت رسیده‌اند، راهی برای اثبات این مدعا نداریم: «فلا طریق الی الحکم فیمن عداهم بانهم سموا و اغتبلوا او قتلوا صبیرا فالخیر بذلک یجری مجری الارجاف و لیس الی تیقنه سبیل» (شیخ

مفید، ۱۴۱۴ق، ۱۳۲).

با عنایت به عبارت پیش و پس از تعبیر «ارجاف» که تصریح دارد داده‌ها برای حکم و یقین در مسئله کافی نیست معلوم می‌شود که احتمالاً شیخ مفید از تعبیر «ارجاف» معنی لغوی ایجاد تشویش (شیخ طوسی، بی تا، ۸/ ۲۰۸) و نشر شایعه را مد نظر دارد که صریح در تکذیب شهادت نیست (نیز نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷/ ۲۱۶).

از آن سو، چند خبر شهادت امام رضا (ع) در *الارشاد* (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ۲/ ۲۶۹) و تقویت احتمال شهادت آن امام در *تصحیح الاعتقادات* به راحتی قابل جمع اند و طبیعی است شیخ مفید در مقام یک متکلم و با عنایت به سخت‌گیری‌های برخی کتب کلامی‌اش تردید در اسناد این اخبار را روا بداند. نباید اعتقاد خود بر تواتر اخبار شهادت امام رضا یا اقوال دیگران را به شیخ مفید نسبت داد؛ چنان که سلمان‌پور چنین کرده است (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۶)؛ خاصه آن‌که مطالب *تصحیح الاعتقادات* شباهت قابل توجهی به دیدگاه بازتابیده در دیگر آثار شیخ مفید در قبال وفیات معصومین (ع) دارد (نک: صادقی، ۱۳۹۵ش، ۱۵۷-۱۵۸).

توضیح این که شیخ مفید در *المقنعه* به مانند *تصحیح الاعتقادات* تنها به شهادت امام علی، امام حسن، امام حسین و امام کاظم (ع) تصریح کرده (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ف، ۴۵۶، ۴۶۱، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۷۶)، و در مورد دیگر امامان (ع) - و از آن جمله، امام رضا (ع) - به ذکر وفات‌شان اکتفا کرده، و نسبت به شهادت ساکت است (همان، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۵). در *ارشاد* هم گاه ثابت نبودن شهادت برخی از امامان را مطرح کرده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ۲/ ۲۹۵، ۳۳۶). براین پایه، برخلاف نظر نویسنده توجیه مجلسی در مورد عبارت *تصحیح الاعتقادات* (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۶) با عنایت به مبنای شیخ مفید در لزوم تواتر در این بحث‌ها متکلفانه نیست و موضع منفی شیخ مفید در قبال خبر واحد در *تصحیح الاعتقادات* با مواضع بسیاری از دیگر آثار او هم‌خوان است (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ش، ۷۳؛ همو، ۱۴۱۳ق - ح، ۴۵؛ همو، ۱۴۱۳ق - ج، ۱۲۲/ ۱۳۰؛ نیز نک: حسین‌پوری، ۱۳۹۲ش، ۱۶۵-۱۶۷). بر فرض قبول نسبت عبارت *تصحیح الاعتقادات* به شیخ مفید، رمی او به بی‌اطلاعی (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۷) از اخبار موضوع لازم نمی‌آید.

### ب) دامنه عصمت

مؤلف تصحیح الاعتقادات (ص ۱۲۹) درباره معصومین (ع) می‌گوید: ما به کمال آنان در علم و عصمت در احوال نبوت و امامت یقین داریم؛ اما درباره پیش از آن، و این که آیا مانند احوال نبوت یا امامت بوده است یا نه توقف می‌کنیم. با این حال، قطع داریم که عصمت از زمانی که خدا عقول معصومین را کامل کرد تا وقتی از دنیا رحلت کردند همواره با ایشان بوده است. سلمان‌پور با ذکر دو مقدمه نتیجه می‌گیرد چنین دیدگاهی برخلاف ضروریات مذهب تشیع است. مقدمه نخست آن که این عبارت خلاف روایات متواتر است؛ و مقدمه دوم این که خود شیخ مفید نیز در *اوائل المقالات* در بحث از عصمت انبیاء و ائمه (ع) تفاوتی بین عصمت ایشان در قبل و بعد نبوت و امامت قائل نیست (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۸).

در پاسخ باید گفت بر فرض که عبارت مندرج در *تصحیح الاعتقادات* برخلاف روایات متواتر باشد هیچ اشکال ندارد که صحت سند یا دلالت این اخبار برای عالمی ثابت نشود. وانگهی، مستنداتی را که سلمان‌پور برای تواتر روایت فوق ذکر کرده است مدعی وی را ثابت نمی‌کند. او می‌گوید در روایات صحیح وارد شده که هرآنچه به جمیع پیامبران عطا شده، به پیامبر اسلام نیز عطا شده... و مطابق اعتقاد شیعیان، اهل بیت کوچک و بزرگ ندارند؛ بلکه چنان که در روایات آمده است کم‌سن‌وسالان ایشان نیز از بزرگان‌شان مویه‌مو به ارث می‌برند (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۷؛ نیز برای متن روایت یادشده، نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۳۲۰؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ۳۱۶).

فارغ از آن که ذکر این موارد اندک تواتر را ثابت نمی‌کند، متن اخبار مورد استناد ناقد کاملاً خلاف مقصود او را بازمی‌نمایاند. اولاً، روایات مورد بحث هیچ نمی‌گویند این تواتر از انبیاء سلف مربوط به قبل از نبوت و امامت معصوم اخیر است یا قبل از آن. ثانیاً، در ادامه خبر تصریح شده است که علم اصلی امام این علم ارثی نیست؛ بلکه «لَيْسَ هَذَا هُوَ الْعِلْمُ؛ اِنَّمَا الْعِلْمُ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَوْمًا بِيَوْمٍ وَسَاعَةً بِسَاعَةٍ»؛ یعنی چنین نیست که علم امام از ابتدا در حد کمال باشد و افزوده نشود؛ بلکه علم امام همواره و هر ساعت رو به ازدیاد است. حتی در ادامه آمده است علم امام «اگر زیاد نشود پایان می‌پذیرد» (نک: صفار، ۱۴۰۴ق، ۳۹۲-۳۹۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۲۵۳-۲۵۵؛ نیز نک: شیروانی، ۱۳۹۶ش، ۱۱۷-۱۴۵).

در سخن از این هم که شیخ مفید خودش در *اوائل المقالات* فرقی میان عصمت معصومین (ع)

در قبل و بعد نبوت و امامت‌شان قائل نیست و این خلاف چیزی است که در *تصحیح الاعتقادات* می‌خوانیم باید گفت عین عبارت شیخ مفید در *اوائل المقالات* چنین است:

ان جميع انبياء الله معصومون من الكبائر قبل النبوة و بعدها و مما يستخف فاعله من الصغائر كلها و اما ما كان من صغير لا يستخف فاعله فجاز و وقوعه منهم قبل النبوة و على غير تعمد و ممنوع منهم بعدها على كل حال و هذا مذهب جمهور الامامية و المعتزلة باسرها تخالف فيه (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ج، ۶۲).

مضمون این گفتار مغایر با نسبتی است که نویسنده به شیخ مفید می‌دهد. گویا سلمان‌پور قیود عبارت را در نظر نگرفته، و به عبارت «اما ما كان من صغير...» توجه نکرده است. افزون بر این، برخی شاگردان شیخ مفید مانند همین دیدگاه را مطرح کرده‌اند (برای نمونه، نک: شیخ طوسی، ۱۴۰۶ق، ۳۱۱). ظاهراً نه نظر شیخ مفید در *تصحیح الاعتقادات* که برداشت نویسنده برخلاف اخبار امامیه است.

#### پ) برداشتی نادرست از نقدی متکلمانه در کتاب

در جایی از *تصحیح الاعتقادات* (ص ۳۳) انتقادی نیز بر عبارتی از ابن بابویه — که حاوی

عطف دو واژه «قوت و قدرت» است — وارد می‌شود:

والذی قاله أبو جعفر — رحمه الله — فی تفسیر قوله تعالی «ما منعک أن تسجد لما خلقت بیدي»، أن المراد بقدرتی وقوتی. قال أبو عبدالله لیس هذا هو الوجه فی التفسیر، لأنه یفید تکرار المعنی؛ فکأنه قال: بقدرتی و قدرتی أو بقوتی و قوتی؛ إذ القدرة هی القوة والقوة هی القدرة، ولیس لذلك معنی فی وجه الکلام....

سلمان‌پور با استناد به این فقره، دیگر شاهد نادرستی نسبت کتاب به شیخ مفید را آن می‌داند که اولاً، تفاوت معنایی دو واژه سبب می‌شود عطف‌شان بر همدیگر فاقد اشکال باشد و حشو لازم نیاید. ثانیاً، بر اساس شواهدی از کلمات عرب و عالمان امامی معتقد است عطف کلام بر مترادف امری رایج بوده، و بر این پایه می‌گوید «شبیبه به محال است که شیخ مفید با آن مقام علمی از چنین موضوع واضحی بی‌اطلاع باشد». ثالثاً، عبارت ابن بابویه برگرفته از خبری در کتاب *النوحید* او ست و نمی‌توان پذیرفت شیخ مفید آن روایت را نداند (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۸).

در پاسخ اولاً باید گفت بر فرض قبول اشتباه ادبی از شیخ مفید، اشتباهاتی بزرگ‌تر از این هم در کتب علماء رخ داده است؛ مثل آن که بعضی از ایشان عبارت «واحل لکم ما فی الارض جمیعاً» را به اشتباه آیه قرآن انگاشته، و از آن هم‌چون مثالی در مقام تبیین مباحث اصولی خود بهره



جسته‌اند (نک: شیرازی، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۱۹۵؛ نائینی، ۱۳۷۶ش، ۴/ ۳۶۸، ۳۶۹، ۶۸۱، ۷۹۲؛ خوبی، ۱۳۵۲ق، ۲/ ۱۶۶). ثانیاً، برخلاف تلقی سلمان‌پور، نقد شیخ مفید بر عبارت ابن بابویه نه نقدی ادبی، که نقدی متکلمانانه است. ابن بابویه مکرر در تفسیر «ید» یک کلمه آورده است و برای «یدین» دو کلمه (نک: ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ۲۳-۲۴). برداشت شیخ مفید از سیاق عبارت ابن بابویه یا از دیگر روایاتی که خودش می‌شناسد (قس: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۳۴؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ۱۵۳) این بوده است که ابن بابویه «یدین» را دو چیز می‌داند و در عین حال، از دو کلمه قوت و قدرت که مترادف‌اند بهره می‌جوید.

خود شیخ مفید در وجه سومی که برای آیه می‌آورد، تشبیه را از باب تأکید می‌داند؛ نه دوگانگی. پس لزوماً با روایت ابن بابویه در کتاب *التوحید* (ص ۱۵۳) و با مبنای او مخالف نبوده است. گذشته از این، از اساس التفات شیخ مفید به خبر مذکور در کتاب *التوحید* در حین نقد عبارت ابن بابویه مسلم نیست. نکته آخر این که علماء خود نیز لزوماً همه اخبار کتب خود را قبول ندارند؛ چهرسد به اخبار کتب دیگران (نک: اکبری، ۱۳۹۷ش، شماره ۳-۴-۲؛ نیز، برای نمونه از نقدهای شیخ طوسی در *التهذیب* بر برخی از اخبار خود: شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴/ ۱۷۴، ۷/ ۳۶۱، ۲۷۵، ۹/ ۲۰۴).

##### ۵. نسبت آراء و ساختار تصحیح الاعتقادات با دیگر آثار شیخ مفید

در بخش «واکاوی محتوا و ساختار» از مقاله «وداع با تصحیح الاعتقادات» (ص ۱۴۴-۱۴۵)، سلمان‌پور در مواردی عقاید خود و برخی عالمان را ملاک اعتبارسنجی دیدگاه‌های شیخ مفید دانسته، و بر این مبنا در اصالت این اثر اشکال کرده است.

##### الف) تشابه آراء تصحیح الاعتقادات با دیگر آثار شیخ مفید

حتی اگر به آراء خود شیخ مفید در دیگر آثارش استناد کنیم، باز موضوعی مشابه در قبال روش حدیثی ابن بابویه و دیگر محدثان را مشاهده خواهیم کرد. نمونه بارز آن را می‌توان در *المسائل السرویه* دید که حتی اخبار فقهی ابن بابویه را مجموعه‌ای از اخبار آحاد می‌داند که علم‌آور نیست و سهو و اشتباه در آن راه دارد. شیخ مفید در ادامه همان مطلب به نحو کلی به تخطئه اهل حدیث می‌پردازد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ش، ۷۳). این عبارات بسیار شبیه عباراتی در تصحیح

*الاعتقادات* است (قس: شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۸۸، ۷۸، ۸۱، ۱۲۲).

افزون بر این، به صرف مشاهده تفاوتی موردی لحن یک مؤلف یا شیوه برخورد وی با آراء مخالف در یک اثر به قیاس با دیگر آثار، نمی‌توانیم نسبت اثر به مؤلفش را رد کنیم. به طبع تغییر روش و آراء علماء در طول عمرشان امر غریبی نیست. برای نمونه، رویکرد حدیثی - رجالی شیخ مفید در آثار مختلفش تفاوت‌هایی دارد. گاه تسامح در پذیرش روایت‌ها سبب شده است برخی معاصران از اثری چون *الارشاد* انتقاد کنند (صفری، ۱۳۸۵ش، ۳۵۲-۳۶۱). شیخ مفید در *الارشاد* با همین رویکرد تسامح‌آمیز همه راویان نص بر امامت امام رضا (ع) در *کافی* کلینی را توثیق می‌کند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ۲/ ۲۱۶، ۲۴۸). با این حال، خود وی در آثار دیگر درباره برخی از همان راویان - مانند محمد بن سنان - رأی متفاوتی ابراز می‌کند (قس: همو، ۱۴۱۳ق - ذ، ۲۰؛ همو، ۱۴۱۳ق - ش، ۳۸؛ نیز نک: ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ۱۲). مثال دیگر از همین قبیل تضعیف جابر جعفی است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۲۸).

نمونه دیگر از تغییر نگرش‌های او کتاب *کمال شهر رمضان* (احتمالاً همان کتاب *لمح البرهان*) در دفاع از سی‌روزه بودن ماه رمضان است که بعدها شیخ مفید خود *مصابیح النور* و *جوابات اهل الموصل* را در مخالفت با همین رأی تألیف می‌کند (نک: ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ۸/ ۶؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ذ، ۲۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۹۹).

#### ب) مقدمه نداشتن تصحیح الاعتقادات

بی‌مقدمه بودن *تصحیح الاعتقادات* در کنار مقدمه‌نگاری شیخ مفید برای آثارش هم سلمان‌پور را درباره اصلت این اثر به تردید انداخته است (نک: سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۴۹). سلمان‌پور نخست نسبت ۲۸ مورد از آثار منسوب به شیخ مفید را مفروض می‌گیرد (همان، ۱۴۹-۱۵۲) و در انتساب ۱۴ مورد از آثار بدون مقدمه منسوب به شیخ مفید اشکال می‌کند یا آن‌ها را حاصل تلخیص، گزارش شاگردان یا ناقص ماندن نسخه می‌شناساند (همان، ۱۵۲-۱۵۳). سلمان‌پور می‌افزاید: «از این بررسی طولانی مشخص می‌شود که شیخ مفید در تمام کتب خویش از اسلوبی معین و ساختاری مشخص پیروی می‌کند. او به ذکر و نگارش مقدمه - گرچه کوتاه - پای‌بند است و عادت به توضیح درباره کتاب و بیان مسئله و موضوع بحث خود یا انگیزه‌اش از نگارش اثر دارد» (همان‌جا).

در مقام نقد این رأی باید اولاً توجه داشت که تفاوت سیاق یک اثر با دیگر آثار یک نویسنده به تنهایی نکته‌گیری نیست. گاه مؤلفی به خاطر تغییر عقاید یا برای غرضی خاص کتابی را بر اسلوب و بلکه آرائی متفاوت می‌نویسد؛ هم‌چنان‌که مثلاً *تحف العقول* و *حقائق اسرار الدین* ابن شعبه حرانی با هم تفاوتی آشکار در سبک تألیف دارند (نک: باقری، ۱۳۹۳ش، سرتاسر اثر). ثانیاً، سلمان‌پور در دسته‌بندی یادشده‌اش از آثار شیخ مفید، برخی موارد را که ناقص دسته‌بندی‌اش بوده‌اند کنار گذاشته، و مثلاً بدون ذکر قرینه کتاب *الاشراف* را ناقص شمرده، و حکم کرده که این اثر فقط قسم عبادات از اثری بزرگ‌تر است (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۵۳)؛ حال آن‌که این نسخه با عبارت «تم کتاب *الاشراف* بحمد الله» پایان می‌یابد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ب، ۴۵) و عنوان کامل اثر *الاشراف فی عامة فرائض اهل الاسلام* هم حاکی از وجود بخشی دیگر نیست.

ثالثاً، رویکرد سلمان‌پور در تحلیل روش نگارش رساله‌های کوچک شیخ مفید تبعیض‌آمیز به نظر می‌رسد. برای نمونه، «رسالة فی المهر»، «رسالة حول خبر ماریه»، «تحریم ذبائح اهل الكتاب»، «تفضیل امیر المؤمنین (ع)»، و «رسالة فی معنی المولی» را شاهد روش خاص تألیفات شیخ مفید در ذکر مقدمه و غرض تألیف می‌گیرد (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۵۰-۱۵۱)؛ اما در مورد مقدمه و طرح غرض نداشتن سه رساله «حدیث نحن معاشر الانبیاء»، «رسائل فی الغیبة» و «اقسام المولی» چنین عذر می‌آورد که این‌ها «به مثابه یادداشتی چندصفحه‌ای است که تنظیم شده، و طبعاً نیاز به مقدمه ندارد» (همان، ۱۵۳). رساله‌هایی که نخست یاد شد، در چاپ کنگره هزاره شیخ مفید به ترتیب ۱۶، ۹، ۱۴، ۲۱ و ۲۵ صفحه دارند، و کتب دسته دوم ۱۲، ۲۴ و ۱۷ صفحه. نمی‌توان فرق روشنی میان این حجم‌ها دید.

سلمان‌پور (ص ۱۴۹) در پذیرش نسبت کتاب *الاختصاص* به شیخ مفید در عین اذعان به تردیدها در این باره نیز، بر خلاف مبنای خود در نفی آثار فاقد مقدمه (همان، ۵۲، ۱۵۳) عمل کرده است؛ حال آن‌که نه سیاق آن شبیه آثار شیخ مفید است، نه نامی از آن در آثار سلف آمده است. حتی نسخه‌اش هم به ابی‌علی احمد بن حسین بن احمد بن عمران منسوب گشته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱/ ۲۷). دست‌کم از وضعیت ترکیبی آن روشن است که کل آن نمی‌تواند اثر شیخ مفید باشد (نک: معارف، ۱۳۹۷ش، سرتاسر اثر). مثال دیگر از این دست، استناد سلمان‌پور است به *النکت الاعتقادیة* هم‌چون اثری از آثار شیخ مفید (سلمان‌پور، ۱۳۹۷ش، ۱۵۱)؛ حال آن‌که در

جای دیگر خود نیز در انتساب این کتاب به شیخ مفید تردید می‌کند (همان، ۱۴۹؛ برای تردیدها در اینباره، نک: طباطبایی، ۱۴۱۳ق، ۱۳۶-۱۳۷؛ جلالی، ۱۴۱۴ق، ۳-۴).

پ) مهم‌ترین اختلافات کلامی ابن بابویه و شیخ مفید

با وجود همه آنچه گفته شد لازم به ذکر است که بنا بر تصریح برخی پژوهش‌گران در آثار کلامی شیخ مفید، بسیاری از نقدهای *تصحیح الاعتقادات* بر ابن بابویه اختلاف مبنایی جوهری بین دو عالم را نشان نمی‌دهد (نک: مکدرموت، ۱۳۷۲ش، ۴۴۸-۴۴۹، ۴۵۹، ۴۷۱، ۴۸۵؛ صافی، ۱۴۱۳ق، ۳۴، ۶۷-۶۹، جاهای مختلف). بسیاری از مطالب *تصحیح الاعتقادات* نقدهای ساده‌ای است که علماء نسبت به آثار دیگران دارند. از میان این نقدها، یکی دو نمونه بیش از بقیه بحث‌برانگیز شده‌اند؛ امری که ایجاب می‌کند به تفصیل مرورشان کنیم.

بی‌تردید مهم‌ترین نقد مندرج در *تصحیح الاعتقاد* بر ابن بابویه این است که ابن بابویه سهو پیامبر اکرم (ص) را جائز می‌داند. پیش از بحث در این‌باره اشاره به نکته‌ای لازم است. در *تصحیح الاعتقادات* (ص ۱۳۵) عقیده سهو النبی با عبارت «سمعنا حکایة ظاهرة عن ابی جعفر محمد بن الحسن بن الولید رحمه الله...» نقل، و در ادامه گفته می‌شود اگر این حکایت صحیح باشد، ابن ولید در حق پیامبر اکرم و اهل بیت (ع) تقصیر کرده است.

این گزارش چنین القاء می‌کند که نویسنده از بازتاب این رأی ابن ولید در *کتاب من لایحضره الفقیه* آگاه نیست. با وجود این، در نسبت این تردید به شیخ مفید اشکالی وجود ندارد؛ زیرا دلیلی نداریم که شیخ مفید کتاب *من لایحضره الفقیه* را کامل خوانده باشد؛ خاصه آن‌که به تصریح ابن بابویه، این کتاب در مرحله نخست برای غیرفقیهان و البته با حذف اسناد نوشته شده (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۱/ ۲)، و در کتب فقهی بزرگان مکتب بغداد جایگاه ویژه‌ای نداشته است. طبیعی است که شیخ مفید هم در دوره حضور ابن بابویه در بغداد همه کتب ابن بابویه را از او نشنیده باشد (نک: جعفری، ۱۳۸۸ش، ۲۰)؛ چنان‌که نوع عبارت شیخ مفید در مورد کتب فقهی ابن بابویه در *المسائل السرویه* نیز حاکی از آن است که اعتناء ویژه‌ای به *من لایحضره* ندارد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ش، ۷۳).

شیخ مفید در *اوائل المقالات* نیز موضع مشابهی دارد و سهو در امور دین را برای معصوم روا نمی‌داند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ج، ۶۵). مرور آراء شیخ مفید در بحث عصمت و سهو نزدیکی آراء

او با ابن بابویه در این زمینه‌ها را آشکار می‌کند: اولاً، شیخ مفید عصمت ائمه (ع) را مانند عصمت انبیاء (ع)، و سهو در ابلاغ معارف و گناه را از ایشان منتفی می‌داند. با این حال، معتقد است احتمال ارتکاب بعضی از گناهان صغیره در ایام پیش از امامت‌شان منتفی نیست (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ج، ۶۲). این همان رویکردی است که در *تصحیح الاعتقادات* (ص ۱۲۹) نیز می‌توان دید. ثانیاً، از نگاه شیخ مفید جائز است که در مواردی مصداق احکام و بواطن امور بر ائمه (ع) مخفی بماند و بنا بر ظاهر امور حکم بدهند یا گاه از طریق وحی از آن آگاه شوند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق - ش، ۹۴؛ همو، ۱۴۱۳ق - ط، ۶۹؛ همو، ۱۴۱۳ق - ژ، ۱۱۴؛ همو، ۱۴۱۳ق - ج، ۶۷؛ همو، ۱۴۱۴ق، ۱۳۰).

از آن سو، ابن بابویه نیز بر عصمت امام از خطا و لغزش تأکید، و با عبارتی مجمل نقص و جهل را از امام نفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ۹۴، ۹۶؛ همو، ۱۴۱۸ق، ۳۴). وی اخبار بسیاری را در مورد گستره بالای علم امام می‌آورد و خود راوی اخباری هم‌چون زیارت جامعه است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲/۲۷۲). ابن بابویه در هیچ بابی به اقوال ثابت صادرشده از اهل بیت (ع) با دیده تردید نمی‌نگرد. حتی در موضوعاتی آزمودنی مثل اخبار طیبی - که می‌شود بر پایه تجربه خطای یک تجویز را نشان داد - سهو راویان یا بروز دیگر مشکلات را محتمل می‌داند؛ اما هرگز محتمل نمی‌شمارد که امام مطلبی را بر پایه ظن گفته باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ۱۱۵).

این‌گونه، به نظر می‌آید که در مسئله سهو النبی تفاوت فکری شدیدی میان دو عالم نیست؛ زیرا ابن بابویه هم به طبع جواز سهو در ابلاغ احکام را نمی‌پذیرد. ابن بابویه سهو در نماز و غسل را نه از جنس سهو مُخَلِّ در بیان احکام، که محملی مناسب برای فهماندن موضوع یک حکم فقهی می‌داند؛ سهوی که از دید وی نه تنها موجب خطا در ابلاغ حکم نیست، که خود روشی برای آموختن احکام شرعی بوده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۱/۳۵۹-۳۶۰). همین بینش در برخی از اخبار ابن بابویه نیز نمودی آشکار دارد (نک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ۴۱۳؛ نیز نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/۱۶۵، ۳/۲۹۴، ۳۵۶، ۳۵۷؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۴ش، ۲/۳۴۵). اختلاف دو عالم در این است که یکی اخبار سهو را منافی عصمت در تبلیغ می‌داند و دیگری مبتلا شدن معصوم به سهو را ناشی از اراده الهی و روشی در تبلیغ احکام شرعی سهو می‌داند. هر دو عالم قائل به عصمت از خطا و علم گسترده امام اند؛ گرچه در حدود مسائل اختلاف نظرهایی دارند.

## نتیجه

بر پایه مجموع آنچه گفته شد می‌توان ادعا نمود قرائن پراکنده فراوانی هست که نسبت *تصحیح الاعتقادات* را به شیخ مفید تأیید می‌کند. از آن جمله، گزارش‌های مکرر ابن شهر آشوب از نسخه‌ای از یک اثر شیخ مفید است که حاشیه‌ای بر *الاعتقادات* ابن بابویه بوده، و با محتوای *تصحیح الاعتقادات* قابل تطبیق است. نیز، بر پایه شواهدی که ذکرش رفت، مراد از کتاب *جوابات ابی جعفر قمی و الرد علی ابن بابویه* که نجاشی و ابن شهر آشوب از جمله آثار شیخ مفید بر شمرده‌اند، احتمالاً همین *تصحیح الاعتقادات* است.

شاهد دیگری که به تفصیل ذکرش رفت، ارجاعات عالمان متأخرتر به مطالبی از کتب شیخ مفید است که جز در *تصحیح الاعتقادات* نمی‌توان در اثر دیگری از او پی‌جویی کرد؛ هم‌چنان که یک شاهد دیگر نیز، تشابه اندیشه‌های بازتابیده در این اثر با آراء مختلف شیخ مفید در آثار مختلف او، و حتی ارجاعات مؤلف *تصحیح الاعتقادات* به آثاری است که می‌دانیم تألیف شیخ مفید اند. افزون بر این‌ها، برخلاف این‌که ادعا شده است این کتاب در بردارنده آرائی مغایر با افکار شیخ مفید است، به نظر می‌رسد کلیت کتاب هم‌خوانی قابل‌توجهی با مبانی شیخ مفید دارد و اندک موارد مغایرت را نیز می‌توان به حساب تغییرات فکری مؤلف در طول زمان گذاشت.

با بررسی نمونه‌هایی از این دست می‌توانیم بپذیریم *تصحیح الاعتقادات* اثری از شیخ مفید است که شیخ طوسی و ابن شهر آشوب عین عبارات آن را روایت کرده، و شیخ طوسی و احتمالاً نجاشی از آن نام برده‌اند. از نگاه مورخانه وجهی ندارد که خود را به تکلف بیفکنیم و بدون شاهد بگوییم جاعلی کوشا و البته مسلط بر آثار شیخ مفید در دوران صفوی به تناسب عناوین ابواب کتاب *الاعتقادات* ابن بابویه، این قرائن پراکنده را از آثار مختلف شیخ مفید و غیر او جسته و گردهم آورده، و آن‌ها را با نظر به کتاب *الاعتقادات* ابن بابویه سامان بخشیده، و اثری همسو و هم‌کلام با آثار شیخ مفید بر ساخته است. به بیان دیگر، مطالب *تصحیح الاعتقادات* هم با دیگر آثار شیخ مفید هم‌خوان است هم آن‌قدر که تصور می‌شود اختلاف ریشه‌ای با آراء ابن بابویه ندارد. سبک و سیاق آن نه متناسب دوران صفوی، که آشکارا مانند آثار شیخ مفید است. با وجود قرائن متعدد حاکی از انتساب این اثر به شیخ مفید، تا زمانی که شواهدی گویا بر خلاف این انتساب یافت نشود نمی‌توان از آن دست شست.

## منابع

- علاوه بر قرآن کریم؛
- ۲- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، *الذریعة*، به کوشش احمد منزوی، بیروت، دارالاضواء.
- ۳- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل*، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵م.
- ۴- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق)، *اللباب فی تهذیب الانساب*، بیروت، دار صادر.
- ۵- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، *السرائر*، قم، جامعه مدرسین.
- ۶- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰ش)، *الرجال*، به کوشش محمدرضا جلالی، قم، دارالحديث.
- ۷- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *الاعتقادات فی دین الامامية*، به کوشش عصام عبد السيد، بیروت، دارالمفید.
- ۸- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران، کتابچی.
- ۹- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، به کوشش و تعلیق، هاشم حسینی طهرانی، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۰- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا (ع)*، به کوشش مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
- ۱۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ۱۳- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، *المقنع*، قم، مدرسه امام مهدی (ع).
- ۱۴- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۵- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق)، *الهدایة فی الاصول والفروع*، قم، مؤسسه امام هادی (ع).
- ۱۶- ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، به کوشش احسان

- عباس، بیروت، دارالفکر.
- ۱۷- ابن رستم طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، *المسترشد*، قم، کوشان پور.
- ۱۸- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۹- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۹۳ش)، *اعلام الطرائق*، به کوشش عبدالمهدی اثنی عشری و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی.
- ۲۰- \_\_\_\_\_ (۱۴۳۶ق)، *مثالب النواصب*، بغداد، دارالوفاق الوطنی.
- ۲۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، نجف، المطبعة الحیدریة.
- ۲۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹ق)، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم، بیدار.
- ۲۳- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
- ۲۴- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *اقبال الاعمال*، تهران، اسلامیة.
- ۲۵- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ش)، *کشف المحجّة لثمره المهجّة*، به کوشش محمد حسون، قم، بوستان کتاب.
- ۲۶- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق)، *فلاح السائل*، قم، بوستان کتاب.
- ۲۷- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا)، *الفهرست*، بیروت، دارالمعرفة.
- ۲۸- *الاختصاص*، منسوب به شیخ مفید، به کوشش علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ۲۹- اکبری، عمیدرضا، (۱۳۹۷ش)، *بررسی اختلافات مبانی قدما و متأخران در تضعیقات رجالی*، قم، پایان نامه سطح ۳ حوزه.
- ۳۰- امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۳۱- انصاری، حسن (۱۳۹۷ش)، «*تصحیح الاعتقاد*»، کانال بررسی های تاریخی، پایگاه اینترنتی تلگرام، پست شماره ۱۵۶۸.
- ۳۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۷ش)، «ابن ندیم»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد پنجم،



- تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
- ۳۳- باقرى، حميد (۱۳۹۳ش)، «پژوهشى در انتساب چند اثر جديدالانتشار به ابو محمد حسن بن على بن شعبة حرانى محدث شناخته شده شيعى»، *علوم حديث*، سال ۱۹، شماره ۷۴.
- ۳۴- برقى احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، به كوشش جلال الدين محدث، تهران، اسلاميه.
- ۳۵- بياضى، على بن يونس (۱۳۸۴ق)، *الصراط المستقيم*، نجف، المكتبة الحيدرية.
- ۳۶- پاكچى، احمد (۱۳۶۷ش)، «ابن بابويه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامى*، جلد سوم، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
- ۳۷- ترمذى، محمد بن عيسى (۱۴۱۹ق)، *الجامع الصحيح*، به كوشش شاكرا، احمد محمد، قاهره، دارالحديث.
- ۳۸- جعفرى، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، مقدمه بر *تصحيح الاعتقادات*، تهران، روشناى مهر.
- ۳۹- حسانى، عبيد الله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، به كوشش محمدياقر محمودى، تهران، وزارت ارشاد.
- ۴۰- حسين پورى، امين (۱۳۹۲ش)، *حديث ضعيف*، قم، دارالحديث.
- ۴۱- حسيني جلالى، محمدرضا (۱۴۱۴ق)، مقدمه بر *النكت الاعتقادية*، بيروت، دارالمفيد.
- ۴۲- خطيب بغدادى، احمد بن على (۱۴۱۷ق)، *تاريخ بغداد*، به كوشش مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ۴۳- خوانسارى، محمدياقر بن زين العابدين (۱۳۹۰ق)، *روضات الجنات*، قم، اسماعيليان.
- ۴۴- خويى، ابوالقاسم (۱۳۵۲)، *اجود التقريرات*، قم، مطبعة العرفان.
- ۴۵- درايتى، مصطفى (۱۳۹۰ش)، *فهرستگان نسخه هاى خطى*، تهران، كتابخانه ملي.
- ۴۶- ذهيبى، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق) *تاريخ الاسلام*، به كوشش عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، دارالكتاب العربى.
- ۴۷- راوندى، سعيد بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، *قصص الانبياء*، به كوشش غلامرضا عرفانيان، مشهد، مركز پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى.
- ۴۸- زيد نرسى (۱۴۲۳ق)، *الاصول الستة عشر*، به كوشش ضياءالدين محمودى

- و دیگران، قم، دارالحدیث.
- ۴۹- سلمان پور، محمد مهدی (۱۳۹۷ش)، «وداع با تصحیح الاعتقاد»، آینه پژوهش، شماره ۱۷۳، سال ۲۹، شماره ۵.
- ۵۰- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق)، *خصائص الائمة*، به کوشش محمدهادی امینی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۵۱- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغة*، به کوشش صبحی صالح، قم، هجرت.
- ۵۲- شریف مرتضی، علی بن الحسین (۱۹۹۸م)، *الامالی*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالفکر العربی.
- ۵۳- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۵ق)، *الرسائل*، به کوشش مهدی رجائی، قم، دارالقرآن الکریم.
- ۵۴- شوشتری، نور الله (۱۴۰۹ق)، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم، کتابخانه مرعشی.
- ۵۵- شیرازی، محمدتقی (۱۴۱۲ق)، *حاشیه برالمکاسب*، به کوشش علی یزدی، قم، شریف رضی.
- ۵۶- شیروانی، شریف بن رضا (۱۳۹۶ش)، *مرغم الغلاة*، به کوشش سمانه زارعی، قم، پایان نامه سطح ۳ مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری.
- ۵۷- صادقی، مصطفی (۱۳۹۵ش)، «بررسی دیدگاه شیخ مفید درباره شهادت امام جواد»، *تاریخ اسلام*، سال هفدهم، شماره ۶۵.
- ۵۸- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۳ق)، *داوری میان ابن بابویه و شیخ مفید*، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ۵۹- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، به کوشش محسن کوچه باغی، قم، کتابخانه مرعشی.
- ۶۰- صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۵ش)، *ارزیابی روایات و منابع مکتوب امامیه درباره زندگی نامه امامان*، رساله دکتری تاریخ اسلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- ۶۱- طباطبایی، عبدالعزیز (۱۴۱۳ق)، «الشیخ المفید وعطاؤه الفکری الخالد»، *تراثنا*، شماره ۳۰-۳۱.
- ۶۲- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه.
- ۶۳- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، *الرجال*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم،

جامعه مدرسین.

- ۶۴- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق)، *الاقتصاد*، بیروت، دارالاضواء.
- ۶۵- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم، بعثت.
- ۶۶- \_\_\_\_\_ (بی تا)، *التنبیان*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۶۷- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴ش)، *النهذیب*، به کوشش حسن خرسان، تهران، اسلامیة.
- ۶۸- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق)، *العدة*، به کوشش محمدرضا انصاری، قم، نشر محمد تقی علاقبندیان.
- ۶۹- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، به کوشش عبداللہ طهرانی و احمدعلی ناصح، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- ۷۰- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق)، *الفهرست*، به کوشش عبدالعزیز طباطبایی، قم، کتابخانه طباطبایی.
- ۷۱- عبد اللہ آبادی، سلیمان (۱۳۷۷ش)، «نگرشی بر فقه شیخ مفید»، *فقه اهل بیت (ع)*، شماره ۱۵.
- ۷۲- «عدم سهو النبی» (۱۴۱۳ق)، منسوب به شیخ مفید، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ۷۳- عطائی نظری، حمید (۱۳۹۶ش)، «*اعلام الطرائق* ابن شهر آشوب، کتابی نفیس در اصطلاح نامہ نگاری اسلامی»، *آیینہ پژوهش*، شماره ۱۶۳.
- ۷۴- عمادالدین طبری، محمد بن علی (۱۳۸۳ق)، *بشارة المصطفی*، نجف، المكتبة الحیدریة.
- ۷۵- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *التفسیر*، تهران، اسلامیة.
- ۷۶- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، *روضه الواعظین*، قم، شریف رضی.
- ۷۷- فتونی عاملی، ابوالحسن، محمد طاهر (۱۴۱۸ق)، «تنزیه القمیین»، *تواتنا*، جلد ۵۲، قم، آل البیت.
- ۷۸- فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (۱۴۰۷ق)، *تسهیل السبیل بالحجة*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۷۹- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *التفسیر*، به کوشش طیب موسوی جزائری، قم،

دارالکتاب.

- ٨٠- کتاب سلیم بن قیس (١٤٠٥ق)، به کوشش محمدباقر انصاری، قم، الهادی.
- ٨١- کشی، محمد بن عمر (١٤٠٩ق)، معرفة الرجال، اختیار شیخ طوسی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
- ٨٢- کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ٨٣- کراجکی، محمد بن علی (١٤٢١ق)، التعجب من اغلاط العامة فی مسألة الامامة، به کوشش فارس حسون، قم، دارالغدیر.
- ٨٤- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (١٤٠٣ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ٨٥- معارف، مجید و حیدری، محمدعلی (١٣٩٧ش)، «کاوشی در پدیدآوردن کتاب الاختصاص»، حدیث پژوهی، سال ١٠، شماره ٢٠.
- ٨٦- شیخ مفید، محمد بن محمد (١٤١٣ق - الف)، الارشاد، به کوشش مؤسسه آل البيت، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ٨٧- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ب)، الاشراف فی عامة فرائض اهل الاسلام، به کوشش مؤسسه آل البيت، قم، کنگره مفید.
- ٨٨- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - پ)، الاعلام بما اتفقت علیه الامامية من الاحکام، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ٨٩- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ت)، الافصاح فی الامامة، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ٩٠- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ث)، الامالی، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ٩١- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ج)، اوائل المقالات، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ٩٢- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - چ)، ایمان ابی طالب، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ٩٣- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ح)، التذکرة باصول الفقه، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ٩٤- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - خ)، تفضیل امیر المؤمنین، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ٩٥- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - د)، الجمل و النصرة للعترة فی حرب البصرة، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ٩٦- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ذ)، جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة، قم، کنگره

- هزاره شيخ مفيد.
- ٩٧- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ر)، *الحكايات في مخالفات المعتزلة من العديلية*، قم،  
کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ٩٨- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ز)، *الفصول العشرة*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ٩٩- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ژ)، *الفصول المختارة*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠٠- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - س)، *المسائل الجارودية*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠١- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ش)، *المسائل السروية*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠٢- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ص)، *المسائل الصاعانية*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠٣- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ض)، *المسائل الطوسية*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠٤- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ط)، *المسائل العكبرية*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠٥- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ظ)، *مسائل العويص*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠٦- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ع)، *مسار الشيعة*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠٧- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - غ)، *مسألة في الإرادة*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠٨- \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق - ف)، *المقنعة*، قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١٠٩- \_\_\_\_\_ (١٤١٤ق)، *تصحيح اعتقادات الامامية*، به کوشش حسين درگاهي،  
قم، کنگره هزاره شيخ مفيد.
- ١١٠- مکدموت، مارتين (١٣٧٢ش)، *انديشه‌های کلامی شيخ مفيد*، ترجمه احمد آرام،  
تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ١١١- موسوی تنيانی، اکبر (١٣٩٤ش)، «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصر کبير و  
خاندان او»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاريخ اسلام*، سال شانزدهم، شماره دوم.
- ١١٢- ميرزایی، عباس (١٣٩٠ش)، «اعتقادات اماميه در کلام شيخ مفيد: کاوشی بر محور *النکت  
في مقدمات الاصول*»، *هفت آسمان*، شماره ٥٢.
- ١١٣- نائینی، محمد حسين (١٣٧٦ش)، *فوائد الاصول*، قم، جامعه مدرسین.
- ١١٤- نجاشی، احمد بن علی (١٣٦٥ق)، *الرجال*، به کوشش موسی شبیری، قم، جامعه مدرسین.
- ١١٥- نعمان مغربی (١٣٨٥ق)، *دعائم الاسلام*، قم، آل البيت.

- ١١٦- نعمانی، محمد بن ابراهیم (١٣٩٧ق)، *الغیبة*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- ١١٧- هارونی، یحیی بن حسین (٢٠٠٢م)، *تیسیر المطالب*، به کوشش عبدالله بن حمود عزی، صنعاء، مؤسسه زید بن علی الثقافیه.
- ١١٨- یاقوت حموی (١٩٩٣م)، *الادباء*، به کوشش احسان عباس، بیروت، دارالغرب الاسلامی.